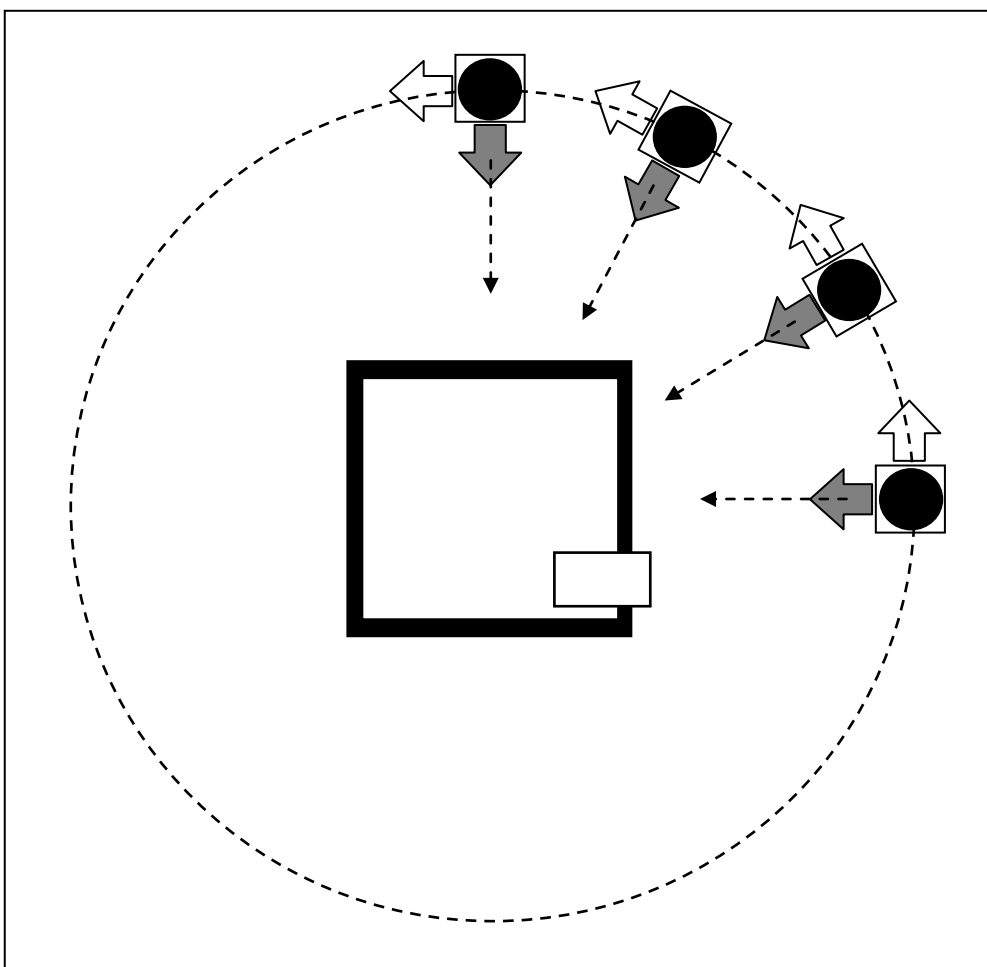


إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ.

خانه کعبه

سلول بنیادی در طراحی نیایشگاه های مطلوب

(اصول راهبردی و راهکارهای عملی در طراحی مساجد مطلوب)



حرکت طواف به دور خانه کعبه (انسان متحرک - نقطه دید ثابت)

نویسنده:

عبدالحمید نقره کار

دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران

noghrekar@iust.ac.ir

بسم الله الرحمن الرحيم
و صلى الله على محمد و اله الطيبين الطاهرين

فهرست تفصیلی

چکیده:

- ۱- روش پژوهش و تحلیل
- ۲- مبانی نظری
- ۱-۲- سرچشمه اصول و ارزشها
- ۲-۲- عبادت و نیایش
- ۲-۳- رابطه مفاهیم و ارزشها با شکلها و کالدها
- ۳- خانه کعبه، سلول بنیادی در طراحی نیایشگاه مطلوب
- ۱-۳- مهمترین ویژگیهای تاریخی و محتوایی خانه کعبه
- ۲-۳- مهمترین ویژگیهای کالبدی و بیرونی خانه کعبه
- ۳-۳- مهمترین ویژگی های درونی خانه کعبه
- ۴-۳- تبدیل آتشکده به مسجد با حداقل تغییرات کالبدی و حداکثر تحول محتوایی
- ۵-۳- گسترش سلول بنیادی خانه کعبه در سایر مساجد دوران اسلامی ۱۶
- ۴- مقایسه ویژگی های معماری مساجد و کلیساها
- ۱-۴- از بعد ایده های فضایی - هندسی
- الف- مساجد
- ب- کلیساهای صلیبی:
- ۲-۴- از بعد نمادپردازی
- ب- کلیساهای صلیبی
- ۳-۴- از بعد آرایه ها
- ب- کلیساها
- ۴-۴- مقایسه کالبدی کلیساها و مساجد
- نتیجه گیری
- فهرست منابع

چکیده:

رویکردهای معاصر غربی به عالم و آدم و فلسفه هنر و خلق آثار معماری مبتنی بر (مکاتب بشری و بریده از وحی الهی)، دچار بحران در معرفت شناسی و شکاکیت و نسبی گرایی در مجموع مباحث علوم انسانی و از جمله معیارهای حسن شناسی و زیبایی شناسی شده است. نتیجه چنین رویکرد هایی پوچ گرایی و هرج و مرج (نیهیلیسم و آنارشیزم) در حوزه خلق آثار هنری و معماری می باشد. مکتب اسلام، مبتنی بر (کلام الهی و سنت معصومین (س)) به عنوان مکتبی جامع و مانع، خطا ناپذیر و تکاملی با دو بال حکمت نظری و حکمت عملی خود، هم اصول فرازمانی و فرامکانی (راهبردی_ مفهومی) و هم (راهکارهای عملی) برای خلق آثاری شایسته انسان ارائه نموده است.

در این مقاله بطور خاص یک مصداق معمارانه که با الهام الهی توسط پیامبر او حضرت آدم(ع) ساخته شده است، مورد ارزیابی و تحلیل قرار می گیرد. به نظر می رسد همانطور که مفاهیم نظری اسلام یعنی (کلام الهی و سخنان معصومین- (س)) گزاره هایی حقیقی و جامع و مانع و خطاناپذیر تلقی می شوند. مانند مفهوم حقیقی عبادت و نیایش، مصادیقی نیز که توسط معصومین (ع) ایجاد شده است. نظیر خانه کعبه، علی رغم نسبی و اعتباری بودن کالبد آنها که در عالم طبیعت تجلی یافته است، اما از بعد عناصری نظیر (ایده های هندسی- فضائی) و (نمایه ها- آرایه ها) که نیمه مجرد هستند، می توانند برای همه زمان ها، الهام بخش باشند.

در این مقاله مصداق فوق در سه محور مورد ارزیابی قرار می گیرد:

- ۱) مهمترین ویژگی های (تاریخی و محتوایی).
- ۲) مهمترین ویژگی های (کالبدی و بیرونی).
- ۳) مهمترین ویژگی های (فضایی_ هندسی و درونی).

با توجه به مفهوم حقیقی عبادت و جهت و غایت تکاملی انسان ها که از منظر اسلامی، امری فطری و غیر قابل تبدیل و تحویل است، در نتیجه گیری این مقاله و از منظر نگارنده، خانه کعبه سلول بنیادی تلقی شده که اولاً با الهام از راهبردها و راهکارهای آن، مساجد اصیل دوران اسلامی از بعد (ایده های فضایی_ هندسی، آرایه ها و نمادها) طراحی و ایجاد شده است. دوماً راهبردها و راهکارهای آن از ابعاد فوق معیارهایی برای ارزیابی مساجد شایسته و ناشایسته در اختیار ما می گذارد که مهمترین آنها سلسله مراتبی از بسترسازی (در سیر از کثرت به وحدت)، (از صورت به معنا)، (درونگرایی)، (سکون آفرینی)، (تمرکز گرایی)، (جهت قبله) و مناسب سازی فضا برای دو مؤلفه (سخنرانی و نماز جماعت) است.

مقدمه

معماری یکی از پدیده های بسیار مهم در فرهنگ و تمدن هر ملت و نشانگر باورها و اعتقادات و آداب و رسوم مردم در گذر زمان است. معماری فرآیندی حاصل از علم و هنر و فن است که همواره با اعتقاد و ایمان رنگ می یافته و به ویژه در ساختمان نیایشگاه ها متجلی می شده است. مراکز عبادی عمیق ترین جلوه گاه اندیشه ها و اعتقادات فرهنگها و مذاهب در طول تاریخ بشری بوده و ماندگارترین دستاورد تاریخ هنر و تمدن جهانی می باشد.

معماری نیایشگاه ها از مهمترین جلوه های معماری اجتماعات گوناگون بشری در فرهنگ های گوناگون بوده و جایگاه ویژه ای را در تاریخ معماری و به طور کلی تاریخ فرهنگ و تمدن برای خود دارا می باشد. در میان آثار معماری ملل و

تمدن‌ها، معبد و نیایشگاه مهمترین ساختمان برجای مانده شمرده می شود و در همه فرهنگ‌ها، این ساختمان‌ها مهمترین معرف و تبلور وجوه و ویژگی‌های فرهنگی آن جوامع به شمار می آید. این نوشته به مقایسه ای میان کلیساهای مسیحی و مساجد از دیدگاه کالبدی- فضایی و عوامل موثر بر آندو و به ویژه چگونگی ساماندهی فضایی آنها می پردازد. این کلیساها با همه گوناگونی فرهنگ‌ها و فرقه های مسیحی، از ویژگی های کالبدی - فضایی کمابیش همانندی در کشورهای مختلف برخوردار هستند.

روش پژوهش و تحلیل

در این نوشته، از دیدگاه فرهنگ اسلامی و مبانی آن و با روش پژوهش در علوم انسانی و هنر، سرچشمه ارزش‌ها و نحوه تجلی آنها در کالبدهای معمارانه و در رابطه با تأثیر آن بر سیر متعالی و مقدر انسان مورد توجه قرار گرفته است. از آنجا که در سه حوزه علوم تجربی، زیستی و انسانی، مقوله معماری درحوزه علوم انسانی و هنر قرار می گیرد، بنابراین در شمار علوم وابسته به مکتب قرار می گیرد. در حوزه این علوم، اصول و مبانی یا حکمت نظری آنها لااقل از دیدگاه اسلامی اصولی ثابت و فطری شمرده شده و غیر قابل تبدیل و تحویل می باشد. ولی آثاری که از تجلی این اصول در عرصه عمل و واقعیت های زمانی و مکانی ظهور می یابد، هم نسبت پذیراست و هم اجتهاد پذیر.

از این رو در این نوشته مفاهیم و ارزشهای انسانی و معیارهای زیباشناسی در ابعاد و انواع آن از معارف اسلامی اخذ شده است. از آنجا که اسلام انسان را به صورت فطری و استعدادهای او را به صورت جامع و کامل معرفی می نماید، بنابراین مفاهیم مطرح شده در این مکتب همه انسانها را در برمی گیرد و فراتاریخی و فراجغرافیایی و در یک کلام، انسانی است.

روش پژوهش در این مقاله، روش تفسیری و استدلال منطقی مبتنی بر عقل و نقل بوده و اثبات نظریه با مصادیقی از تبدیل یک آتشکده چهار تاقی به مسجد یزد خواست و تحلیل سایر مساجد اصیل دوران اسلامی و مقایسه های مختصری با سایر نیایشگاه های جهان بوده است.

مبانی نظری

ارزیابی دو واقعیت معمارانه در دو منطقه از جهان و در بستری تاریخی، آن هم متعلق به فرهنگ هایی متفاوت و مختلف، ظاهراً دور از انصاف علمی و لحاظ واقعیت های بسیار متفاوت و متنوعی به نظر می رسد که در هنجارهای زمانی و مکانی صورت گرفته است و معماران و معماری را در شرایط خاصی قرار داده و منطق و اصول تاریخ معماری را در گذر زمان به وجود آورده است. اما اگر به این حقیقت فرا تاریخی و فرا مکانی توجه شود و این اصول از فرهنگ های توحیدی و اسلامی پذیرفته شده باشد که انسان یک حقیقت نوعی و فطری است و عبادت و راه کمال انسان آنچنان که اسلام می گوید از یک سیر و سیوروت سرچشمه می گیرد و همه پیامبران الهی به حقیقت واحدی دعوت نموده اند و پذیرفتن تکثر نوعی و فطری ناشی از اعراض انسان از حق و یا جهل و غفلت و فریب ناشی شده است، آنگاه پذیرفتنی خواهد بود که با همه شرایط خاص زمانی و مکانی، معماری در هر کجای زمان و مکان که باشد، متعلق به انسان است و باید قبل از هر چیز انسانی باشد.

اگر چه در شرایع ادیان توحیدی، تفاوت هایی برحسب شرایط زمانی و مکانی لحاظ شده است و شریعت خاتم با اجتهاد اسلامی - شیعی آن را در بستر تاریخ تداوم می بخشد، اما جوهر عبادت و نیاز پرستش معبود و حقیقت و اصول آن در هر جای تاریخ که باشد، یکی است.

در باره کالبد‌های معمارانه که لاجرم تجلی و انعکاس همان باورها و اندیشه‌هاست از دیدگاه روابط متقابل (محتوی و کالبد در معماری) می‌توانیم تأمل، تحلیل و نهایتاً ارزیابی اجتهادی کنیم. بنابراین در این مقاله، مجموع تحلیل‌ها مبتنی بر اصول ثابت و بدیهی اسلامی است و مجموع ارزیابی‌ها که ذاتاً نسبی و اجتهادی است، برداشتهای اجتهادی محقق می‌باشد.

۱- سرچشمه اصول و ارزش‌ها

از دیدگاه اسلامی و درحوزه علوم انسانی، ارزشهای ثابت یا اصول نظری مفروض مبتنی بر منابع چهارگانه (کتاب، حدیث، عقل و اجماع)، اصالت خود را از سیرمتعالی انسان اخذ می‌نمایند. مفاهیم و ارزشهای مؤثر در سیرمتعالی انسان از آنجا که او باید جانشین خدا و شبیه‌ترین موجود به او باشد، همان صفات حق تعالی است که در قرآن به صورت استثنایی و جامع مطرح شده است. در این سیر خلوص نیت و اراده به خیر و فلاح انسان اصل است و هرچیز دیگر از جمله معماری وسیله و با توجه به ثبات فطری انسان و مسیر صیروت و تعالی او، ارزشها و اصالت‌های انسانی ازلی و ابدی هستند و غیر وابسته به زمان و مکان و جغرافیا و تاریخ و در یک کلام انسانی هستند، نه نژادی و سرزمینی.

مسیر تعالی فردی انسان از جهان کثرت و حیات مادی و زیبایی‌های آن شروع و به عرصه حیات معقول و زیبایی‌های آن وارد می‌شود و از آنجا در حوزه حیات روحانی به کمال معنوی و نورانی خود و زیبایی‌های ملکوتی بار می‌یابد.

۲- عبادت و نیایش

مسئله نیایش و عبادت از دیدگاه اسلامی، عملی هم‌ردیف سایر اعمال انسان نیست. بلکه هدف از خلقت انسان تلقی می‌شود. مفهوم پرستش و به طور کلی سیرمتعالی انسان در اسلام با سه قیام و تعهد کلی او تبیین می‌شود که عبارتند از: خودسازی، جامعه‌سازی و امام‌شناسی. یا به تعبیری «سیر در آفاق» و «سیر در انفس» یا «حرکت عرضی» و «حرکت جوهری» با هدایت و رهبری انسان کامل.

مسیر پرستش معبود توسط انسانها در طول تاریخ و عرض جغرافیا، از انحرافی‌ترین آن تا صراط مستقیم توحید از پرستش بتها و طواغیت تا پرستش خدای یگانه به صورت‌های گوناگون انجام شده و می‌شود. از آنجا که عبادت نیازی فطری است، لذا پیامبران بیشتر بر این نکته تأکید نموده‌اند که معبود حقیقی غیر از آن چیزهایی است که می‌پرستید. مهمترین وجه تمایز شرک و توحید در رابطه با انسان در این است که مذاهب شرک انسان رابه پرستش خودشان و بتها و نمادهای خودساخته دعوت می‌کنند، ولی مذهب توحید انسان را به خودسازی برای برخوردار شدن از صفات خدا و خداگونه شدن (قرب الی الله) می‌خواند، بنابراین راه خداشناسی از خودشناسی ارادی انسان می‌گذرد و همه چیز از جمله هنر و معماری ابزار و وسیله.

پس کلی‌ترین وجوه نیازهای انسان را در حرکت تکاملی و سرآمد متعالیش که از دیدگاه اسلامی در سه بعد زیر مطرح می‌شود:

(۱) حرکت عرضی (قشری و مادی) یا سیر در آفاق.

(۲) حرکت جوهری (رشد روحی و معنوی) یا سیر در انفس.

(۳) نیاز به رهبری‌های الهی (پیامبران درونی و بیرونی) یا عقل و وحی.

از نظر معارف اسلامی این سه بعد از نیازها و نتایج آن کلی‌ترین وجوهی است که یک انسان یا جامعه انسانی برای رشد و تعالی و سعادت جاودانی خود نیاز دارد و باید زمینه هر سه آنها در کنار هم فراهم باشد تا انسانها در حیات دنیوی و در واقعیت زمان و مکان سیرکمالی داشته باشند، در غیر این صورت از شمول فطرت و سنت‌های الهی شجره طیبه خارج

و مضمون کلمه شجره خبیثه و فساد و تباهی قرار می گیرند. همانطور که دنیا مزرعه آخرت است، رابطه سیر در آفاق و حرکت عرضی نیز با سیر در انفس و حرکت جوهری، رابطه زمین و مزرعه با گیاه و حیات گیاهی است که هر دو لازم و ملزوم و زمینه ساز یکدیگرند، اگر چه منظور نهایی باغبان کشت میوه باشد.

در تفکر اسلامی، مکان از آن جهت که محضر خداست، تقدس دارد. عالم، تجلی خداوند و از این رو مقدس است. این تجلی در مراتبی گوناگون در طول هم رخ می دهد، و خانه کعبه بنیاد محوری است که این مراتب یا عوالم را به هم مرتبط می کند. پس کعبه از آن رو مقدس است که نماد اتصال عالم به حق تعالی است. جهت گیری به سوی کعبه، یا سمت قبله نیز رو کردن نمادین به این اتصال و قرار گرفتن در جهت ارتباط با مبداء هستی است. این جهت مقدس به فضای معماری مسلمانان که از نظر کالبدی معمولاً فاقد جهت است، وجهی معنوی می بخشد.

از آنجا که مفهوم عبادت و سیوررت تکاملی انسان، از منظر اسلامی دارای جهت و غایت مشخص و مبتنی بر فطرت الهی انسانها غیرقابل تبدیل و تحویل بوده و هست، راهبردها و راهکارهای فوق معیارهایی برای ارزیابی همه نیایشگاه ها در طول تاریخ خواهد بود. این معیارها ما را قادر می سازد کلیه نیایشگاه های جهان را از ابعاد محتوایی و کاربردی و کالبدی مورد نقد و ارزیابی قرار دهیم. البته وجوه کالبدی آنها از بعد عناصری که نیمه تجربیدی می باشند نظیر (ایده های هندسی - فضایی، آرایه ها و نمادها) خواهد بود. زیرا این عناصر با آنکه از بعد کالبدی نسبی و اعتباری هستند، اما از بعد محتوایی واجد مفاهیمی فرازمانی و فرامکانی می باشند.

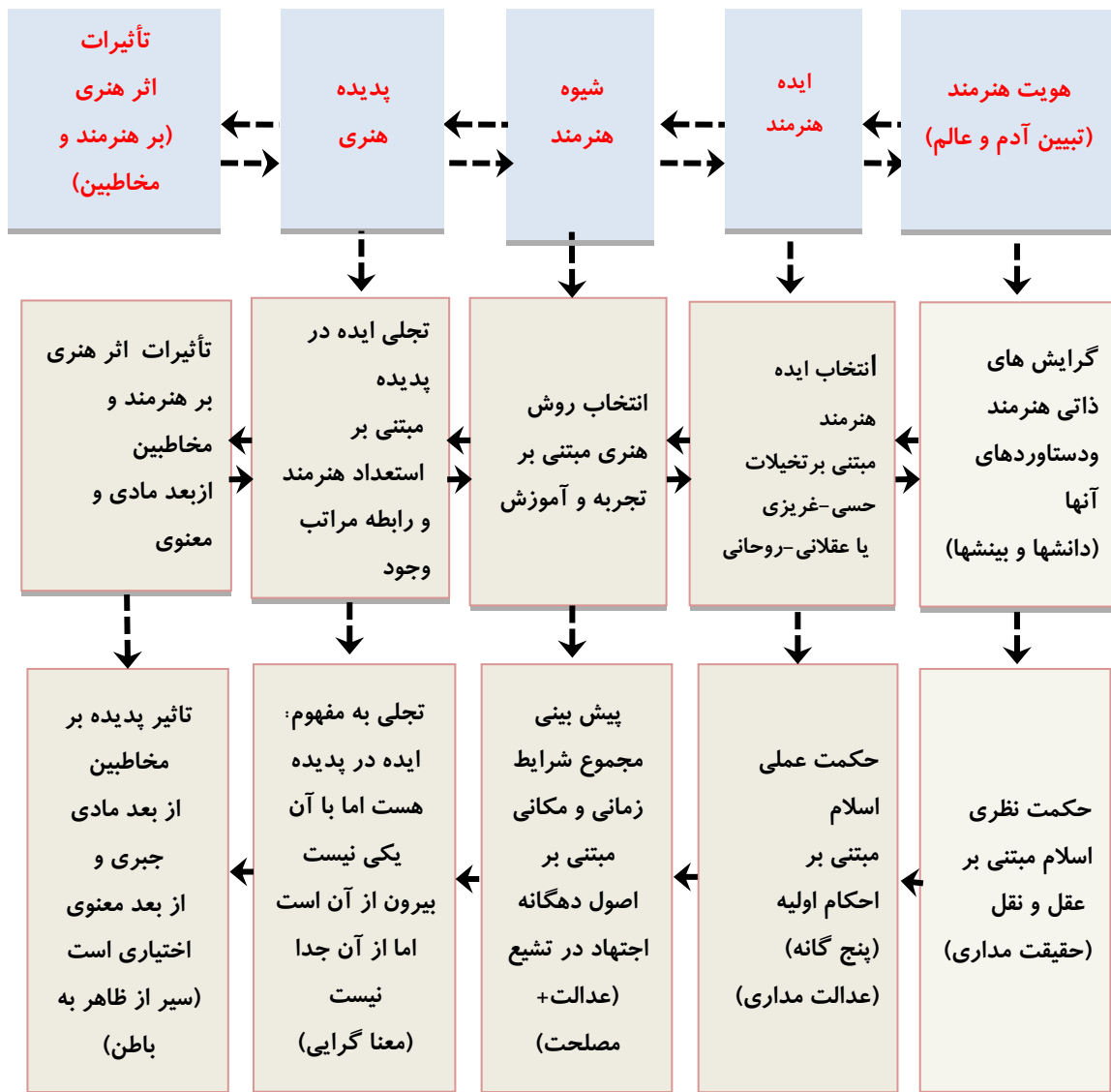
۳- رابطه مفاهیم و ارزش ها با شکل ها و کالبدها

از دیدگاه این نوشته، کالبدها از آنجا که مادی هستند، وابسته به زمان و مکان اند و فقط به صورت متشابه، رمزی، آیه ای و تمثیلی می توانند برای انسان اندیشمند و دل آگاه تداعی معنا نموده و وسیله یاد و یادآوری شوند. کالبدها به صورت نسبی می توانند معنا و مفهومی را تداعی و یادآوری نموده و در مجموع حداکثر زمینه و وسیله ای متناسب برای سیر و سیوررت متعالی و ارادی انسان باشند و ذاتاً جنبه اعتباری دارند.

هر مفهومی و هر ارزشی نظیر مفهوم زیبایی می تواند در بی نهایت شکلها و کالبدهای متفاوت به صورت نسبی و تمثیلی متجلی شود و نوآوری و خلاقیت و ابداع در این بُعد، انتها ندارد. به خصوص با توجه به جمیع شرایط متغیر و متنوع زمانی و مکانی. بنابراین هر مفهوم و اصل ثابت نظری، نظیر مفاهیم (جمال، جلال، عدل) می توانند در بی نهایت از کالبدها و اشکال خلاقانه، حکیمانه و بدیع ظهور یابد و متجلی گردد.

از دیدگاه این نوشته، فرایندهای بشری از جمله خلق آثار هنری و معماری و شهرسازی در پنج مرحله انجام می گیرد. (نمودار شماره ۱) مکتب اسلام به دلیل وجود حکمت نظری و حکمت عملی خطاناپذیر و جامع و مانع، که در قرآن مجید و کلام معصومین (س) ارائه شده، هم راهبردهای مفهومی و هم راهکارهای عملی مشخصی را به صورت اصولی کلی و فرا زمانی و فرامکانی ارائه می نماید و هم در هر موضوع خاص به صورت جزئی منابع و مبانی و مصادیق شایسته ای را ارائه نموده است که کاملاً دارای یک ساختار منسجم، مرحله مند و منطقی بوده و قابل بهره برداری است.

(نمودار شماره ۱) - ساختار و فرآیند خلق آثار هنری، معماری و شهرسازی از منظر اسلامی



یکی از مغالطه‌های بزرگ زمان ما طرح مباحث لائیسزم و سکولاریسم، به مفهوم غیر ایدئولوژیک بودن یا دخالت ندادن ایدئولوژی‌ها را در مباحث علوم انسانی از جمله هنر و معماری است. زیرا انسان‌ها خودآگاه یا ناخودآگاه و جبراً تحت تأثیر معرفت‌ها و گرایش‌های درونی و نفسانی خود عمل می‌نمایند. البته سکولاریسم، به مفهوم آزادی هنرمند در انتخاب گرایش‌های نفسانی (عقلانی-روحانی) یا (غریزی-حیوانی) خود امکان پذیر می‌شود.

قرآن هویت انسان‌ها را براساس معرفت (ایمان) و انگیزه‌های عملی (عمل صالح) و یا (عمل ناصالح) آن‌ها معرفی می‌نماید. و حضرت علی(ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: «ما من حركة الا وانت محتاج فیها الي معرفة^۱» یعنی هیچ حرکتی نیست مگر آنکه محتاج به معرفت است. و انسان بدون معرفت هیچ انگیزه‌ای برای حرکت ندارد. در حدیث دیگر می‌فرماید: «العلمُ إمامُ العمل^۲» یعنی معرفت پیشوای عمل است.

^۱ - تحف العقول ص ۱۷۱

^۲ - الامالی، طوسی، ص ۴۸۸ ج ۳۸

خانه کعبه، سلول بنیادی در طراحی نیایشگاه مطلوب

در این نوشته، یک مصداق معماری که با الهام الهی توسط پیامبر او حضرت آدم(ع) ساخته شده است، ارزیابی و تحلیل می شود. به نظر می رسد همانطور که مفاهیم نظری اسلام یعنی کلام الهی و سخنان معصومین- (س) گزاره هایی حقیقی و جامع و مانع و خطاناپذیر تلقی می شوند (مانند مفهوم حقیقی عبادت و نیایش) مصادیقی نیز که توسط معصومین (ع) ایجاد شده است نظیر خانه کعبه، علی رغم نسبی و اعتباری بودن کالبد آنها که در عالم طبیعت تجلی یافته است، اما از بعد عناصری نظیر «ایده های هندسی- فضایی» و «نمادها و آرایه ها» که نیمه مجرد هستند^۳ می توانند برای همه زمانها، الهام بخش باشند.

این مصداق در سه حوزه ارزیابی می شود:

(۱) ویژگی های تاریخی و محتوایی

(۲) ویژگی های کالبدی و بیرونی

(۳) ویژگی های فضایی- هندسی و درونی

در این نوشته، با توجه به مفهوم حقیقی عبادت و جهت و غایت تکاملی انسان ها که از منظر اسلامی، امری فطری و غیر قابل تبدیل و تحویل است، خانه کعبه سلول بنیادی شمرده شده است؛ چرا که :

- اولاً با الهام از الگوی فضایی- هندسی آن، مساجد اصیل دوران اسلامی طراحی و ساخته شده است.

- ثانیاً راهبردها و راهکارهایی را می توان از تحلیل معمارانه آن برای ارزیابی مساجد شایسته و ناشایسته بدست داد که در جهت زمینه سازی برای سیر از کثرت به وحدت، از صورت به معنا، درونگرایی، سکون آفرینی، تمرکزگرایی، جهت قبله و مناسب سازی فضا برای دو مؤلفه سخنرانی و نماز جماعت بکار می آید.

۱- مهمترین ویژگیهای تاریخی و محتوایی خانه کعبه

آنچه از طریق آیات و احادیث معتبر می توان بهره برداری نمود را به اجمال در چند محور مطرح می نمایم :

۱- با استفاده از آیه ۹۶ سوره آل عمران ملاحظه می شود که خداوند این فضا را اولین خانه ای معرفی می نماید که خداوند برای انسان وضع و طراحی نموده است، بنابراین طراح آن خداوند متعال می باشد^۴.

۲- در حدیثی معتبر از معصومین (س) ذکر شده است که این خانه را حضرت آدم (ع) اولین پیام آور الهی بعد از هبوط در زمین برای پذیرش توبه اش ایجاد نموده است. بنابراین خانه کعبه نماد نیایشگاه مطلوب اسلامی برای خانواده حضرت آدم (ع) بوده است. زیرا مفهوم حقیقی توبه، همان مفهوم عبادت خالصانه و معراج انسان برای بهشتی شدن است. اگر بهشت را ساحت عقل و ادراکات و تعاملات عقلانی و هبوط انسان را در دنیا، باساحت حسی - غریزی و تعاملات نفس بهیمی مترادف بدانیم، توبه و عبادت به مفهوم سیر از ساحت حیوانی به ساحت انسانی، برای همه انسان ها در طول تاریخ، تفسیر و تأویل خواهد شد.

۳- این خانه در سرزمین کعبه ساخته شده و خداوند آنرا محترم، مبارک، امن و نماد هدایت برای همه عالمیان، در همه زمانها و مکانها قرار داده است. از آنجا که خداوند بهترین هنرمند و معمار است (احسن الخالقین)، بنابراین این خانه

^۳ - نیمه مجرد نظیر علوم ریاضی و هندسی، که نسبتاً وابسته به شرایط زمانی و مکانی نیستند.

^۴ - «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ. در حقیقت نخستین خانه ای که برای [عبادت] مردم نهاده شده همان است که در مکه است و مبارک و برای جهانیان [مایه] هدایت است (سوره: آل عمران؛ آیه: ۹۶).

نماد بهترین نیایشگاه مطلوب برای همه انسانها، در همه زمانها و همه مکانها است و می تواند معیاری برای سنجش نیایشگاههای مطلوب و نامطلوب باشد.

۴- این نیایشگاه را خداوند، هم خانه خود می نامد (بیت الله) و هم خانه قیام مردم (قیاماً للناس)^۵ بنابراین مفهوم حقیقی عبادت، تقرب الی الله و توبه همه انسانها، همان قیام باطنی و سیر و سلوک جوهری و ذاتی انسان تلقی شده که، در جهت تکامل روحی و معنوی انسان باشد. بنابراین هر نوع عبادت، که در آن تکامل باطنی انسان وجود نداشته باشد، عبادت حقیقی تلقی نمی شود.

۵- اصالت حقیقی، پایدار و جهانی این خانه را، علاوه بر وجود تاریخی آن، زیارت پیامبران از آن، ترمیم و آبادانی آن توسط پیامبران اولی الاعظمی نظیر حضرت نوح (ع)، حضرت ابراهیم (شیخ الانبیاء) و خاتم الانبیاء (ع) حضرت محمد (ص) و ائمه معصومین (س) تضمین و مانده گار نموده است.

۶- یکی دیگر از دلایل اصالت این خانه والهی بودن آن حفظ آن با معجزه الهی از تجاوز لشکریان ابرهه با سنگهای سجیل توسط پرندگان ابابیل بوده است که در قرآن به آن اشاره شده است.^۶

۷- مبتنی بر احادیث، یکی از مهمترین رویدادهای تاریخی و معجزات الهی در این خانه، تولد حضرت علی (ع) مولی متقیان و مومنان (انسان کامل و امام معصوم) در این خانه، با معجزه شکافته شدن دیوار آن برای مادر ایشان بوده است.^۷

۸- بعد از فتح مکه توسط پیامبر اکرم (ص) و مسلمین، این خانه را که با قراردادن بت های مجسمه گونه و نقاشیهای تزئینی در بدنه های خارجی و داخلی، تبدیل به بتخانه و نیایشگاه مذموم و جاهلانه نموده بودند، با زدودن بتها و تصاویر، اصالت عبادی آنها مجدداً احیاء کردند.

مجموع گزارشهای تاریخی و محتوایی، که از طریق آیات و احادیث معتبر اسلامی در مورد خانه کعبه و ارزشها و ویژگیهای آن مطرح شده و به برخی از آن در بندهای فوق اشاره شد، این خانه را قدیمی ترین، عالی ترین و شایسته ترین نماد نیایشگاه و مسجد در طول تاریخ و برای همه انسانها در همه زمانها و مکانها تبیین و تشریح می نماید. البته از نظر ما این یک مسجد خانوادگی برای خانواده حضرت آدم (ع) بوده است و برای جمعیت های بزرگتر در حد عبادتگاه محلی یا منطقه ای و غیره، می توان با حفظ اصول راهبردی و راهکارهای عملی و ایده های فضایی- هندسی آن، که در محورهای بعدی ارائه خواهد شد، معماری خانه کعبه را با حفظ اصول فرازمانی و فرامکانی آن، مبتنی بر ضرورت های زمانی و مکانی موجود و با بهره برداری از اصول ده گانه اجتهاد در مکتب تشیع و با اجتهاد حرفه ای و تخصصی، بسط و توسعه داد و مساجد محلی، منطقه ای یا جامع را طراحی و ساخت.

قواعد دهگانه اجتهاد از دیدگاه تشیع (در جهت اجتهاد حرفه ای مبتنی بر مفاهیم ثابت نظری و احکام اولیه برای اتخاذ روشهای مناسب عصری و خلق آثار بدیع و اصیل) اینها هستند:

۱- قاعده ملازمه عقل و شرع: ابزار اجتهاد، عقل است و احکام عقلی همان احکام شرعی است.

۲- قاعده بقای اصول: اصول نظری و عملی بیان شده توسط سنت نبوی برخاسته از فطرت، و بی زمان هستند.

۳- قاعده تفریع: فروع و جزئیات (روشها، صورتها و مواد کالبدی)، در پرتو اصول ثابت، با تفریع عقلی قابل استنتاج و اجتهاد هستند.

۵- جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَالِدَةَ ذَلِكَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْظُمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ «خداوند مکه را بیت الحرام و مایه قوام مردم قرار داده و نیز بهمین منظور، شهر حرام و بردن هدی به مکه و قلاتد را تشریح فرموده است، تا بدانید که خداوند میدانند آنچه را که درآسمانها و در زمین است و بدرستی خداوند بهر چیز دانا است. (سوره: مائده، آیه: ۹۷).

۶- وَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ * تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ و پرندگان دسته دسته بر آنان فرستاد، که سنگ [هایی] از جنس گیل بر آنان افکندند. آیه ۳ و ۴ سوره فیل.

۷- الاستيعاب في معرفة الاصحاب، ج ۱، ص ۱۰۶، باب حکيم.

- ۴- قاعده نسبت: فروع (روش‌ها، صورت‌ها و مواد کالبدی) براساس مقتضیات زمان و مکان، کاملاً نسبی هستند.
- ۵- قاعده جامعیت و وسطیت (عدالت): فروع (روش‌ها، صورت‌ها و مواد کالبدی) باید همه جوانب و ساحات مختلف انسانی (و مجموع شرایط زمانی و مکانی) را در نظر بگیرند.
- ۶- قاعده اولویت: فروع (روش‌ها، صورت‌ها و مواد کالبدی) باید با توجه کامل به اولویت‌ها و مصلحت‌ها شکل بگیرند. (با توجه به مجموعه حقوق‌ها و مصلحت‌ها)
- ۷- قاعده هماهنگی با قوانین حاکمه: فروع (روش‌ها، صورت‌ها و مواد کالبدی) نباید معارض با قوانین حاکمه و اصولی که حق و تو دارند باشند. (نظیر اصل لاضرر و لاضرار در اسلام)
- ۸- قاعده حوزه‌های آزاد: فروع (روش‌ها، صورت‌ها و مواد) نباید حوزه‌هایی را که خداوند انسان را آزاد گذاشته محدود کنند. (احکام مباح).
- ۹- قاعده احکام خمسسه تکلیفیه: فروع (روش‌ها، صورت‌ها و مواد کالبدی) باید در اجراء، بر اساس احکام خمسسه، تعیین اولویت و ضرورت کنند. (حلال و مستحب و مباح و مکروه و حرام).
- ۱۰- قاعده احکام ثانویه و حکومتی: فروع (روش‌ها، صورت‌ها و مواد کالبدی) و حتی اصول اولیه می‌توانند با نظر و اختیار ولی فقیه به طور موقت تغییر نمایند. (با توجه به مجموع شرایط اضطراری و مصلحتی).

۲- مهمترین ویژگیهای کالبدی و بیرونی خانه کعبه

- ۱- خانه کعبه با کالبد منظم خود، نسبت به نما و هندسه سیال و موج کوه‌ها و تپه‌های اطراف خود، که کاملاً نامنظم و متکثر به نظر می‌رسند، یک خلاقیت بدیع، اعجاب‌انگیز و منظم است. اگر فضای سیال و متکثر طبیعت، کالبد مناسبی برای سیر در آفاق مشترک حیوانات و انسانها است، خانه کعبه کالبد و فضای مناسب و مختص انسان برای سیر در انفس و تکامل باطنی آنها است. همانگونه که تکامل باطنی انسان و بعد معنوی و روحانی او نسبت به عالم طبیعت، یک خلق جدید و بدیع بودن حقیقی است، کالبد خانه کعبه نیز نسبت به احجام و کالبدهای طبیعی اطراف خود، که متکثر و متنوع می‌باشند، یک حجم و کالبد خلاقانه و بدیع است.
- ۲- مکعب بودن خانه کعبه، به دلیل داشتن وجوه و یال‌های مشابه، نسبت به طبیعت اطراف خود که کاملاً متکثر است، القاء‌کننده وحدت و تمرکز است. همانگونه که مفهوم حقیقی عبادت، تمرکز و وحدت روحی و حضور قلب است، کالبد عبادتگاه توحیدی نیز متناسب با موضوع و عملکرد خود باید وحدت بخش و تمرکز آفرین باشد.
- ۳- خانه کعبه با چهار وجه عمود بر هم خود، بر چهار جهت جغرافیائی رو نموده است. یعنی همانگونه که مفهوم عبادت حقیقی، برای همه انسانها و فطرت روحی، الهی و نوعی همه جهانیان امری اجتناب‌ناپذیر و ضروری^۸ است و اختلاف مذاهب و ادیان از مفهوم عبادت توحیدی، انحرافی از حقیقت و واقعیت ذاتی انسان است، بنابر این کالبد خارجی عبادتگاه توحیدی، باید به سوی همه انسانها در همه جهات جغرافیایی رو نموده و همه انسانها را به نیایشگاه مطلوب دعوت نماید.
- ۴- کالبد مکعب به دلیل مساوی بودن طول و عرض و ارتفاع آن، حجمی محکم، با ثبات، پایدار و امن و آرام را، القاء می‌نماید. از آنجا که عبادت حقیقی، سیری حقیقی، پایدار، محکم و با ثبات و امن و آرام دارد^۹، کالبد ظاهری عبادتگاه توحیدی نیز، باید ثبات و استحکام و پایداری و امنیت و آرامش را القاء نماید.

^۸ - وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ : «ما جن و انسان را خلق نکردیم، مگر برای عبادت». (سوره: الذاریات: آیه: ۵۶)

^۹ - الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ «همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد آگاه باشند که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد». (سوره: الرعد: آیه: ۳۶)

۵- بهره برداری از مواد و مصالح بومی و طبیعی، فقدان هر نوع آرایه های تزئینی و نمایه های مجسمه گونه و بت واره، درجدار خارجی بنا، باعث ایجاد خلوص، صداقت و تقویت درونگرایی که مهمترین ویژگی عبادت حقیقی است، در کالبد بیرونی نیایشگاه تجلی یافته است. از این بعد نیایشگاه اصیل اسلامی بر خلاف، اکثر معابد، شرقی و غربی، که دارای مجسمه ها و نقاشی های بسیار زیاد از موجودات زنده هستند، با آرایه های تجریدی (هندسی و کلامی) خود کاملاً غیر مادی، معناگرا و تنزیهی هستند.

۶- علی رغم وجود چهار وجه مکعب که دعوت کننده همه انسانها از محورهای جغرافیائی جهان بود، وجود فقط یک درب برای ورود به خانه کعبه، مبین سیر از کثرت به وحدت در مفهوم عبادت و مفهوم (صراط مستقیم)، باطنی و تکاملی انسانها است که فرازمانی و فرا مکانی و واحد می باشد. در نقطه مقابل واژه (سَبَل) در قرآن به صورت جمع به کار رفته است زیرا وابسته به مجموع شرایط زمانی و مکانی هر انسانی است. یعنی مبداء حرکت حجاج، وابسته به موقعیت مکانی و جغرافیایی هر یک از آنها متکثر شده است ولی جهت و غایت همه آنها به سوی خانه کعبه (قبله و محل پذیرش توبه انسان و تولد انسان کامل) یگانه است. بنابراین از منظر اسلامی، عبادت حقیقی و سیر تکاملی انسانها فقط از راه ایمان (معرفت) و عمل صالح (رعایت احکام پنجگانه اسلامی و ارزشهای اخلاقی) در امور فردی و اجتماعی، میسر و مقبول است.^{۱۰}

۷- وجود یک سنگ آسمانی، نسبتاً سیاه و بدون رنگ (حجرالاسود) در کنار درب ورودی، که آغاز وانجام طواف به دور خانه کعبه نیز از آنجا شروع میشود و حجاج با لمس آن، با آن نماد آسمانی تعامل می نمایند، درواقع می توان گفت نماد امام معصوم (ع) و لمس آن نماد بیعت با ولایت و امامت است که بدون معرفت و بیعت با امام، مسیر هدایت گشوده نخواهد شد، آنچنانکه پیامبر اکرم (ص) فرمودند، من شهر علمم و علی (ع) درب آن است^{۱۱} و فرمودند بدون اجازه به خانه و حریمی وارد نشوید^{۱۲}. بنابراین می توان گفت، معرفت و بیعت عملی با امام معصوم هر زمان، همان صراط مستقیم راه هدایت و راه گشای رستگاری و توبه پذیری و تکامل انسان است.

این مضمون مهم و بنیادی را خداوند متعال، بعد از طواف به دور خانه کعبه، با برگزاری نماز پشت مقام ابراهیم (ع) که قرآن او را علاوه بر پیامبری با مقام امامت نیز معرفی می نماید، توصیه و تاکید نموده است. یعنی نماز طواف ما موقعی که پشت مقام حضرت ابراهیم (پشت سر امام)^{۱۳} و در جهت قبله، که محل تولد انسان کامل و پذیرش توبه حضرت آدم است، مورد قبول واقع می شود.

۸- همین حجم ساده، درونگرا و مقدس، وقتی در زمان جاهلیت با آرایه های نامناسب از بت های مجسمه گونه و تصاویر موجودات زنده تزئین می شود، تبدیل به بتخانه می گردد و با فتح مکه توسط پیامبر (ص) و مسلمانان، ایشان همه بتها و مجسمه ها و تصاویر را، از خارج و داخل بنا، پاکسازی می نمایند و مجدداً خلوص، سادگی، وحدت و درونگرایی را به آن باز می گردانند.

بنابراین کالبد اولیه خانه کعبه وسیله مناسبی برای حضور انسان و سیر در انفس و عبادت است، در این فضای ایجاد شده، خود انسان قهرمان داستان نیایش و تکامل وجودی و حقیقی است، اما در کالبد تزئین شده و برونگرایی دوران

۱۰- وَالْعَصْرُ؛ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ؛ إِبْرَاهِيمَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّاصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّاصُوا بِالصَّبْرِ. (سوره والعصر)

۱۱- أُنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا. (وسائل الشيعه ج ۲۷، ص ۳۴).

۱۲- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ. «ای کسانی که ایمان آورده اید به خانه هایی که خانه های شما نیست داخل مشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام گوید این برای شما بهتر است باشد که پند گیرید». (سوره: النور؛ آیه: ۲۷)

۱۳- حضرت ابراهیم (ع) از پیامبران اولی العزمی است، که بعد از مقام رسالت و پیام آوری به مقام امامت و رهبری عملی و اجتماعی نیز رسید.

جاهلیت، عملاً خود ساختمان و بنا اصالت ذاتی یافته و در مقابل آن، انسانها منفعل و تماشاچی تلقی می‌شوند، در این مفهوم خود ساختمان گوئی بت شده است و بزرگترین مانع عبادت حقیقی و تکامل ذاتی انسان می‌شود. اغلب معابد و ساختمانهایی که با انواع تزئینات شکلی یا مجسمه گونه، حالتی برونگرا یافته و بعد بیرونی و کالبدی آنها اصالت خود بنیاد می‌یابند عملاً طراحان آن باعث شده اند، ساختمانی که باید وسیله ای در خدمت انسان باشد، خود هدف شده و تبدیل به بت گردد. این گونه طراحان عملاً، بت سازی نموده و از خودبیگانگی مخاطبین خود را بستر سازی می‌نمایند. (نمودار شماره ۴-).

شیخ بهائی در ابیات ذیل به این موضوع اشاره می‌نماید:

من یار همی جویم، او جلوه گه یار او خانه همی جوید ومن صاحب خانه
مقصود من از کعبه بتخانه توئی تو مقصود توئی، کعبه و بتخانه بهانه

جلال الدین محمد مولوی نیز در ابیات ذیل به جایگاه، شأن و رابطه صورت و معنا پرداخته است:

رابطه پوشش: رو به معنی کوش ای صورت پرست ز آنکه معنا بر تن صورت پُر است
بت پرستی چون بمانی در صور صورتش بگذار و در معنی نگر
رابطه ظرف و مظروف: زین قدح های صور کم باش مست تا نگر دی بت تراش و بت پرست
از قدح های صور بگذرمایست باده در جام است لیک از جام نیست
رابطه محرک و حرکت: پیش معنی چیست صورت بس زبون چرخ را معنی اش می دارد نگون
گفت المعنی هو الله شیخ دین بحر معنی های رب العالمین
رابطه ذکر: دان که هرگز مست تصویر و خیال در نیابد ذات ما را بی مثال
ذکر جسمانه خیال ناقص است وصف شاهانه از آنها خالص است

۳- مهمترین ویژگی های درونی خانه کعبه

۱- فضای داخلی مکعب با وجود چهار وجه و دیوارهای بسته و وجود فقط یک درب، مانع ارتباط (حسی-غریزی) انسان با فضای خارج و سیر در آفاق شده و عملاً فضایی کاملاً درونگرا و مناسب تفکر و سیر در انفس ایجاد می‌نماید. مهمترین وجه نیایشگاه اصیل و مسجد اسلامی، اصل درونگرایی و اهمیت فضای خالی آن است، در نقطه مقابل مهمترین وجه معابد غیر اصیل، نظیر نمادهای سنگی واقع در مناسک منا یعنی (جمرات سه گانه) صلب بودن برونگرایی و خروج کاذب و ظاهری آنها است.

۲- با توجه به تساوی طول و عرض و ارتفاع در حجم کعبه، فضای داخلی آن فاقد جاذبیت های مادی، مکانیکی و حرکت های فیزیکی بوده و دارای یک نقطه مرکزی، تمرکز آفرین و وحدت بخش می‌باشد.

یکی دیگر از مهمترین مفاهیم عبادت حقیقی در ارتباط انسان با خدا، مفهوم تمرکز فکری و حضور قلب درونی است. از این بعد فضای داخلی خانه کعبه مناسب ترین فضا برای ایجاد سیردرباطن، تفکربرانگیزی و حضور قلب است.

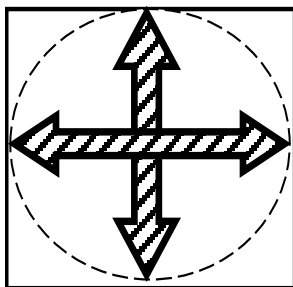
۳- با توجه به خالی بودن نقطه مرکزی داخل مکعب، انسان خود را در کانون و قلب فضای داخلی و قهرمان حماسه فضایی و حضور در نیایشگاه می‌یابد، نفی اشیاء و هر نوع پدیداری که انسان را، با عالم بیرون از خویش و سیر در آفاق سرگرم و منفعل نکند، عالی ترین بستر و زمینه برای نیایش حقیقی و سیر در انفس و صیروت وجودی است. در نقطه مقابل نیایشگاهی که مملو از آرایه ها، تصاویر و مجسمه های موجودات زنده، حتی مجسمه های قدسین و پیامبران است، انسان را منفعل، تماشاچی و از خود بیگانه می‌نماید. در واقع فرقی بسیار اساسی بین فضای داخلی نیایشگاه با نیایشگاه وجود دارد، نیایشگاه مناسب سیر در آفاق و تعامل انسان با پدیدارهای بیرونی است و در نقطه مقابل نیایشگاه، باید مناسب تعامل درونی و خودآگاهی ارادی و اختیاری انسان باشد.

۴- در بین همه احجام و هندسه های منظم و نامنظم، موجود و قابل تصور انسان بر روی زمین، تعادل و مرکزیت ایجاد شده در نقشه مربع، که ناشی از مساوی بودن چهار محورش می باشد، و در حجم داخلی مکعب نیز، به دلیل مساوی بودن ابعاد سه گانه آن بی نظیر بوده، بیشترین سکون فیزیکی را، که مناسب ترین بستر عبادت است ایجاد می نمایند.

نمودار شماره ۵- مربع، مناسبترین هندسه برای دو مولفه شنیدن سخنرانی و انجام نماز جماعت است



جهت قبله
(محراب و منبر)



جهت توسعه
(سخنرانی)

جهت توسعه
(صف نماز)

از این نظر می توان گفت انتخاب این حجم و این نقشه برای نیایشگاه در مقایسه با مجموع احجام و اشکال منظم و نامنظم، حقیقتاً یک انتخاب دقیق و اعجاب انگیز می باشد. انتخاب فوق تردید باقی نمی گذارد، که طراح آن بزرگترین هنرمند و معمار یعنی حضرت حق و احسن الخالقین بوده و طرح او یک اعجاز هنرمندانه است.

۵- از آنجا که در فرهنگ اسلامی، آغاز هر عبادتی از تفکر و معرفت آغاز می شود، قوای پنجگانه نفس عقلانی انسان را حضرت علی (ع) (تفکر، تذکر، علم، حلم، و تنبه) معرفی می نمایند که انسانها را به (حکمت و نزاهت) می رساند و در جای دیگری می فرمایند: (سکوت مقدمه تفکر است) ^{۱۴}. بنابراین سکوت و سکون ایجاد شده، در فضای داخلی خانه کعبه، فضای بسیار مناسبی برای قیام باطنی انسانها، یعنی تفکر، تعقل و حضور قلب و عبادت است. به همین دلیل خداوند این خانه را محترم و مبارک دانسته و آنرا مناسب برای قیام انسانها ^{۱۵} معرفی نموده است.

۶- مساوی بودن طول و عرض در شکل هندسی مربع، به صورت متعادل مناسب دو فریضه اصلی در نیایشگاه اسلامی یعنی شنیدن سخنرانی

و موعظه و برگزاری نماز جماعت، طراحی شده است. (نمودار شماره ۵-د) دو فریضه تعریف شده در مساجد یعنی ایراد خطبه، و موعظه که محرک و تقویت کننده قوای عقلانی انسانها است و با نماد منبر، محل سخنران را مشخص می نماید و نماز جماعت، که محرک و تقویت کننده حضور قلب و خودآگاهی روحانی انسانها است و با نماد محراب و جهت قبله مشخص شده است. قرآن نیز در سوره « والعصر » به امتیاز مؤمنین با همین دو ویژگی اشاره می نماید، یعنی ایمان ناشی از معرفت و یقین به حقایق عالم وجود و دیگری عمل صالح، در معارف اسلامی مهمترین عمل شایسته را نماز آنهم به جماعت معرفی می نماید و آنرا معراج مؤمنین می داند ^{۱۶}.

مهمترین مسئله در سخنرانی شنیدن بیانات خطیب و دیدن متقابل صورت مخاطب و سخنران است، از این نظر محور عمود بر منبر و موازی قبله مناسب می باشد. در نقطه مقابل و در نماز جماعت، حضور در صف اول نماز و دیدن امام جماعت، توصیه شده است، بنابراین برای فریضه نماز جماعت محور عمود بر قبله مناسب تر است.

۷- از آنجا که کالبد انسان دارای چهار وجه است، حضور او در فضای داخلی خانه کعبه، که آنهم دارای چهار وجه عمود برهم می باشد، باعث هم آهنگی و تمرکز انسان در یک وجه خاص می شود، که می تواند همان جهت قبله باشد. این

^{۱۴} - در حدیثی از حضرت علی (علیه السلام) آمده است: الصمت روضة الفكر سکوت باغ تفکر و اندیشه است. (میزان الحکمة، ماده صمت). امام علی (ع) باز می فرماید: « و أكثر صمتک یتوفر فکرک ». سکوت خود را زیاد کنید تا فکر وافر بدست آوری. (غررالحکم ص: ۲۱۶)

^{۱۵} - جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ : خداوند کعبه را برای قیام انسانها طراحی نموده است. (سوره: مائده؛ آیه: ۹۷)

^{۱۶} - پیامبر (ص): الصلوة، معراج المؤمن . نماز، معراج مؤمن است. کشف الاسرار، ج ۲، ص. ۶۷۶ سرالصلوة، ص ۷، اعتقادات مجلسی، ص ۲۹.

نکته در طراحی نيايشگاه اسلامي يعني مساجد از اهميت خاصي برخوردار است، زيرا در فرهنگ اسلامي، اعمال انسان با نيت او ارزيابي مي شود^{۱۷} و نيت در تمام اعمال از جمله نماز بايد قرب الهي باشد (قربتاً الى اله) و قرب الهي به مفهوم تکامل وجودي انسان است که نماد آن امام معصوم است که خداوند متعال او را از هر نوع عيب و نقص و جهل و خطا مطهر نموده است و به انسان کامل تعبير مي شود. بنا بر اين در جهت قبله و به سوی آن نماز گزاردن، يعني غايت همه اعمال عبادي ما رشد و تکامل روحي و معنوي تا تقرب به مقام کاملترين انسان است^{۱۸}.

۸- فقدان ورودی جداگانه برای علماء دینی و فضای جداگانه برای مراسم و مناسک دینی تبیین کننده این مفهوم عظیم است، که در اسلام نظیر مسیحیت قدیس و غیر قدیس (کشیش و غیر کشیش) و روحانی و غیر روحانی نداریم، از منظر اسلامي همه انسانها به صورت بالقوه دارای فطرت و روح الهي می باشند. اما عالم به عنوان متخصص در تمام علوم و فنون داریم و از منظر قرآن مکرم ترين انسانها با تقوی ترين آنها در عمل می باشند^{۱۹}.

۹- از منظر اسلامي علماء دینی انسانهایی نظیر دیگران بوده و دارای تخصص معارف و احکام دینی می باشند و وظیفه آنها تشریح معارف و احکام و مواظب اخلاقی است و در سیر و سلوک تکاملي با ساير انسانها فرق ندارند و درجه تکامل آنها در پیشگاه الهي به میزان عمل آنهاست^{۲۰}. در ساير امور نیز انسانها به متخصص آن موضوع مراجعه می نمایند، بنابراین نيايشگاه اصیل اسلامي علی رغم بسیاری از معابد در ساير ادیان، فاقد ورودی و فضای مجزا برای علماء دینی و مراسم و مناسک، انحصاری است. و همه انسانها در صفاي های منظم و در جهت واحد به سوی غايت واحدی که همان ضرورت وجودی و تکامل معنوي و روحي است، سیر و سیورورت می نمایند.

مهمترین ویژگی های درونی خانه کعبه اینها هستند:

۱- با وجود چهار وجه بسته و پر و وجود فقط یک درب، فضای داخلی کاملاً درونگرا و مناسب سیر در انفس است.
 ۲- با تساوی طول و عرض و ارتفاع، فضای داخلی دارای یک نقطه مرکزی سکون آفرین و وحدت بخش می باشد.
 ۳- خالی بودن نقطه مرکزی، انسان را در کانون فضا و قلب فضای داخلی ساختمان و موضوع اصلی قرار می دهد.
 ۴- در بین همه اشکال و حجم های منظم و نامنظم، مکعب بیشترین القاء کننده سکون و سکوت فیزیکی و مکانیکی است.

۵- در فرهنگ اسلامي سکون و سکوت فیزیکی و حسی-غریزی، مقدمه بسیار مناسب برای قیام فکری، حضور قلب و عبادت است.

۶- طول و عرض مساوی مربع، به صورت متعادل مناسب دو فریضه نماز و شنیدن سخنرانی است.

۷- در مکعب چهار وجوه قائم بر هم، ضمن هماهنگی با چهار وجه انسان، یک وجه را کاملاً در جهت دید انسان (قبله) قرار می دهد.

۸- اگر فضای طبیعت مناسب سیر آفاق برای انسانها و حیوانات است، خانه کعبه مناسب ترین فضا برای سیر در انفس و (خودآگاهی آزادی-اختیاری) و تکامل روحي است. مسئله جهت در مساجد و نه محراب برای جماعتي خاص نظیر کلیساها و عدم جداسازس قدیس و غیر قدیس از ویژگیهای ممتاز مساجد نسبت به کلیساها است.

۹- تکامل انسان مبتنی بر دو بعد معرفتی (ایمان) و اعمال شایسته (عمل صالح) است منبر خطاب و موعظه نماد تکامل عقلانی و اعتقادی و یکی از مهم ترین اعمال صالح نیز نماز جماعت معرفی می شود، که معراج مؤمنین است.

^{۱۷} - رسول اکرم (ص): انما الاعمال بالنیات: بدرستی که اعمال هر کس به نیت اوست. جامع السعادت ج ۲ ص ۲۴۴.

^{۱۸} - انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً: جز این نیست که خدا می خواهد آلودگی را از شما اهل بیت بزاید و شما را کاملاً پاکیزه گرداند. سوره احزاب آیه ۳۳.

^{۱۹} - ان اکرمکم عندالله اتقاکم، همانا مکرم ترین شما نزد خداوند، پرهیزکارترین شما هستند. (سوره: حجرات؛ آیه: ۱۳).

^{۲۰} - ولکل درجات مما عملوا: برای هر کس درجه ای است به میزان عمل او سوره احقاف، آیه ۱۹.

۱۰-۳- البته باید متذکر این موضوع بود که خانه کعبه عملاً نیایشگاه خانوادگی حضرت آدم (ع) تلقی می شود. بنابراین برحسب افزایش تعداد نماز گزاران و خانواده ها، سلول های خانواده کعبه را معماران گسترش داده اند، اما همواره همان اصول ثابت را در طراحی و معماری مساجد، به صورت نسبی حفظ نموده اند.

۴- تبدیل آتشکده به مسجد با حداقل تغییرات کالبدی و حداکثر تحول محتوایی

به عنوان نمونه ای از بهره برداری از ساختمان چهار تاقی آتشکده ها و تبدیل آنها به مسجد، می توان به مسجد یزد خواست اشاره کرد. در این ساختمان معماران مسلمان، با کمترین تغییرات کالبدی اصول محتوایی یک نیایشگاه غیر اسلامی را مبتنی بر اصول خانه کعبه کاملاً متحول و مطلوب نموده اند.

الف - تغییرات کالبدی در تبدیل آتشکده به مسجد بدین گونه بوده است:

۱- مجمر آتشدان را از مرکز فضای داخلی برداشتند.

۲- سمت قبله و طرفین آنرا با دیوار پوشاندند.

۳- در مقابل جهت قبله دربی ایجاد نمودند.

۴- در مقابل جهت قبله یک فضای باز محصور (حیاط) ایجاد نمودند.

۵- مطابق محورهای عبوری در بافت محلی، دربی به فضای باز احداث نمودند.

۶- همه نیایشگران را به فضای داخلی با تفکیک مردان و زنان دعوت نمودند.

۷- نمادی در جهت قبله برای نماز و منبری برای ایراد سخنرانی ایجاد نمودند.

۸- عملاً یک فضای برونگرا و سیر در آفاقی را به یک فضای درونگرا و مناسب سیر در انفس تبدیل نموده اند.

ب- تغییرات محتوایی در تبدیل آتشکده به مسجد بدین گونه بوده است:

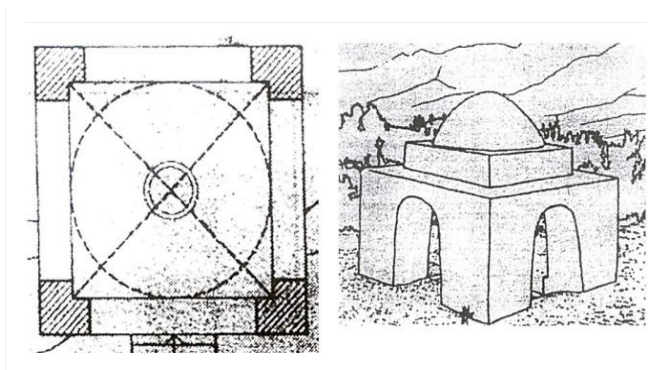
۱- با حذف آتشدان از مرکز فضای داخلی، عامل واسطه بین انسان و خدا را حذف نمودند. از منظر اسلامی (خداوند

در قلب مومن است و انسان عالی ترین تجلی الهی است).

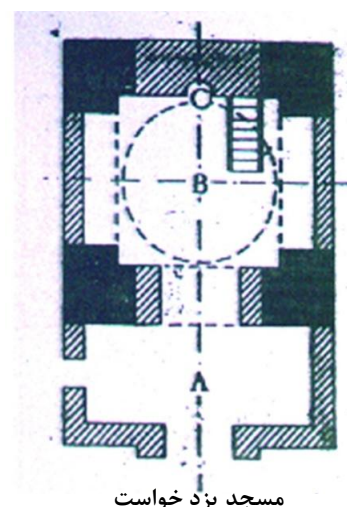
۲- با بستن دیوارها، فضای برونگرا و سیر آفاقی آنرا، تبدیل به فضای درونگرا و مناسب سیر در انفس نمودند.

(صیوروت تکاملی انسان امری درونی و جوهری است نه بیرونی)

تصویر شماره ۲- تغییرات جزئی کالبدی و تغییرات بنیادی محتوایی در تبدیل آتشکده چهار طاقی به مسجد یزد خواست



آتشکده چهار تاقی



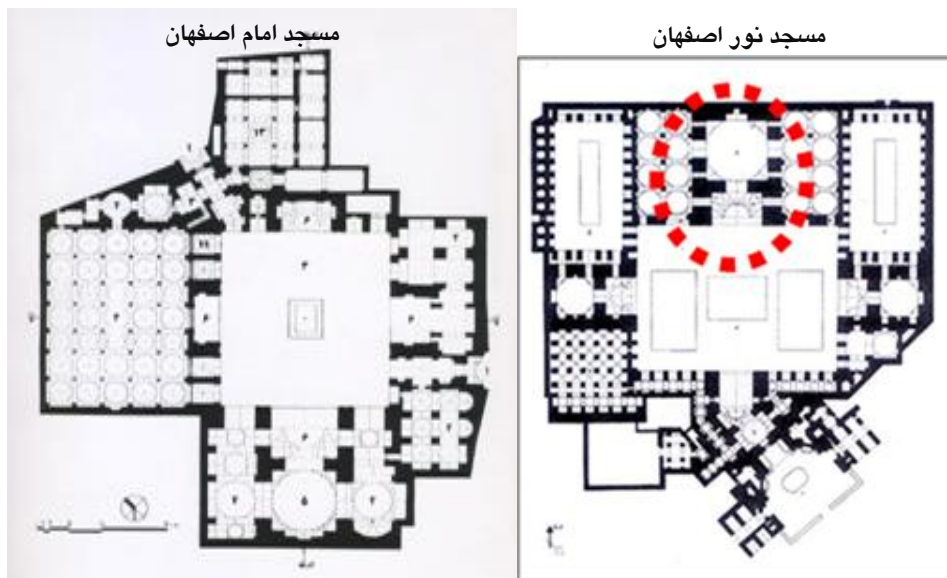
مسجد یزد خواست

۳- با ایجاد در، بین فضای داخلی و خارجی مرزی احداث کردند، تا حریم فضای داخلی حفظ شود.

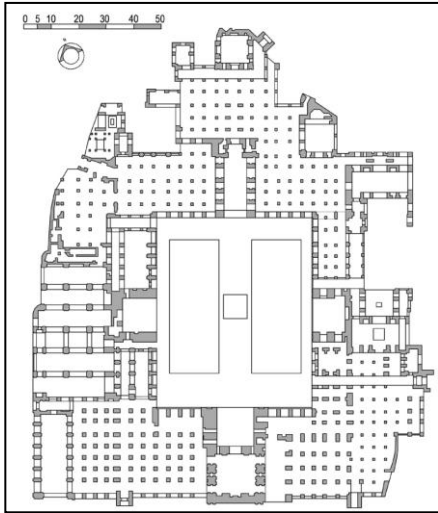
- ۴- با ایجاد حیاط، ضمن ایجاد سلسله مراتب لازم برای ورود به نیایشگاه و برخورداری لازم از مجموع مواهب طبیعی، مزاحمت های همجواری را را به حداقل ممکن رساندند.
- ۵- اصالت و ارزش نیایشگاه به مومنین آن است و نه ساختمان آن، بنابراین مبتنی بر محورهای عبوری انسان ها در بافت، دربهای با شکوهی برای ورود مومنین برپا نمودند.
- ۶- علماء دینی، تفاوت فطری با سایر مومنین ندارند، (همه انسان ها بالقوه حامل روح الهی اند)، بنابراین همه مومنین را به فضای داخلی، بدون تبعیض دعوت نمودند.
- ۷- دو رکن بنیادی عبادت و تکامل انسانی مبتنی بر معرفت و عمل است (ایمان و عمل صالح)، بنابراین برای معرفت افزائی و سخنرانی (منبر) و برای بهترین عمل، نماز جماعت را که (معراج مومنین) است، به سوی قبله و به سوی انسان کامل پیش بینی نمودند.
- ۸- مسلمانان بر خلاف پادشاهان، معابد سایر ادیان را ویران و نابود نکردند، بلکه (در صورت مسلمان شدن مردم) با تغییرات کالبدی، محتوای معابد قبلی را مطابق ارزشهای فرهنگی خود کاملاً تغییر دادند.
- ۹- متأسفانه برخی از متخصصین متعصب می گویند اسلام فلسفه هنر و معماری ندارد و از سایر فرهنگ ها و تمدن ها تقلید نموده است اینگونه افراد یا متعصبند و یا کاملاً بی اطلاع.

۵- گسترش سلول بنیادی خانه کعبه در سایر مساجد دوران اسلامی

سلول بنیادی خانه کعبه، ضمن هماهنگی با زمینه و بافت محلی خود، از هر طرف که امکان پذیر بوده مبتنی بر افزایش تعداد جمعیت نماز گزار، با حفظ اصول بنیادی خانه کعبه، گسترش یافتند و شبستانها و تالارهای عظیم و متنوع عبادی - اجتماعی را نظیر مسجدالنبی در مدینه، مسجد امام و مسجد جامع (جمعه) اصفهان احداث نمودند. به سرعت



گسترش انعطاف پذیر سلول بنیادی خانه کعبه با توجه به مجموع مقتضیات زمانی و مکانی
تصویر شماره ۳ و ۴- مسجد امام اصفهان و مسجد نور اصفهان



▲ (تصویر شماره ۶-۵) مسجد جامع اصفهان

مسجد جامع (جمعه) اصفهان

سلول بنیادی خانه کعبه از هر سمت که لازم و امکانپذیر بود گسترش یافت و به شبستان‌های بزرگ و تالارهای عظیم و بی بدیل اجتماعی-عبادی تبدیل شد. نکته بسیار مهم و اساسی، انعطاف پذیری در بدنه خارجی بنای مساجد اسلامی است، زیرا هیچ محدودیتی در نوع و جهت گسترش آنها توصیه نشده است.

مقایسه ویژگی های معماری مساجد و کلیساها

از بعد ایده های فضایی - هندسی

ویژگی های معماری مساجد

- ۱- سلول هندسی و بنیادی مساجد اصیل اسلامی، مربع است، که مرکز آن نیز فضای خالی است و از نظر حرکت فیزیکی، کاملاً سکون آفرین است و می تواند بستر مناسب تفکر انسان باشد^{۲۱}. این فضا مناسب احساس استقلال، درونگرایی و اندیشه ورزی است.
- ۲- گسترش این سلول از هر طرف که شرایط محیطی اجازه دهد، انعطاف پذیر بوده و با حفظ شاکله مربع و بدون محدودیت امکان پذیر می باشد.
- ۳- سلولها بزرگ و کوچک می شوند، اما همواره با توجه به حفظ شاکله مربع، تعامل ادراکی انسان با آنها سکون آفرین است.
- ۴- همراه با گسترش فضاها در جهات مختلف، با حفظ جهت قبله، مجموع فضاها علی رغم تنوع، دارای هماهنگی و نظم و سکون فیزیکی می باشند.
- ۵- با ایجاد فضای باز درونی و حیاط داخلی، فضاهای داخلی ضمن برخوردارگی کامل از نور، هوا و منظره طبیعی لازم، از انواع مزاحمت های همجواری نیز در امان می باشند.
- ۶- سر درها و ورودی های مسجد، به طبقه و نژاد مربوط نیست، بلکه همه مخاطبین می توانند از ورودی های مشترک بهره برداری نمایند، فقط در جهت جلوگیری از اختلاط نامناسب خانمها و آقایان، حتی المقدور ورودی های آنها جداگانه طراحی می شود.
- ۷- شاکله مربع، مناسب ترین نقشه برای برآیند دو مؤلفه اصلی عبادت، یعنی شنیدن سخنرانی و موعظه و انجام فریضه نماز جماعت است.
- ۸- شبستان مساجد انسانها را به صورت قدیس و غیر قدیس جدا نمی نماید، بلکه حتی المقدور سعی می نماید شبستان آقایان به قسمت بانوان اشراف نداشته باشد و مزاحمت همجواری ایجاد نگردد.
- ۹- وجود حیاط داخلی باعث می شود سلسله مراتبی از فضاهای عبادی، از فضاهای فرهنگی، اداری، خدماتی و غیره ضمن ارتباط درونی، جمعی و هم افزایی عملکردی، هریک نسبتاً مستقل بوده و با کمترین مزاحمت همجواری در کنار هم باشند.
- ۱۰- سلول بنیادی و فضایی در شبستان های مساجد، به طور کلی مکعب است، برآیند فضایی اقطار مکعب، نقطه ای درونی، خالی و از بعد فیزیکی سکون آفرین است. این فضای مکعبی اغلب با الهام از آسمان، دارای آسمانه ای دلباز، دلگشا و پر فراز و نشیب می شود. در گنبدخانه ها، با تبدیل مربع به هشت ضلعی و اضعاف آن نزدیک به دایره گشته که مبنای شکل گیری گنبدها می گردد.
- ۱۱- مولوکول های فضای مکعبی در سلول های شبستانها، فضایی مستقل، درونگرا، با مرکزی خالی و از بعد فیزیکی ساکن ایجاد می نماید، که مناسب ترین فضا برای عبادت یعنی تفکر و حضور قلب است.
- ۱۲- جهت قبله، از آنجا که محوری فرامکانی ایجاد می نماید باعث می شود نمازگزار در هر کجای شبستان قرار گیرد، خود را در قلب و کانون فضای عبادی و قهرمان داستان عبادت بداند. آنچه آن که قلب باطنی، کانون روحانی انسان است و خداوندی که در زمین و آسمان نمی گنجد، در قلب مؤمن حضور دارد.

^{۲۱} - حضرت علی(ع): الصُّمْتُ رَوْضَةُ الْفِكْرِ. سکوت بوستان (و جایگاه) فکر و اندیشه است. «غررالحکم، ج ۵۴۶»

ویژگی های معماری کلیساهای صلیبی:

- ۱- نقشه کلیساهای صلیبی، شامل دو بخش سالن اجتماعات و فضای انجام مراسم عبادی توسط کشیشان می باشد. سالن اجتماعات که اغلب از دو رواق و یک فضای مستطیل شکل در بین آن ها تشکیل شده است، عملاً عبادت کنندگان را در حالت منفعل و تماشاچی نسبت به صحنه محراب قرار می دهد.
- ۲- گسترش سالن اجتماعات، به دلیل شکل از قبل تحمیل شده و قرینه صلیب، انعطاف ناپذیر بوده و توسعه نیایشگاه را کاملاً محدود می کند.
- ۳- محل نشستن نیایشگران در سالن اجتماعات به دلیل نسبتی که با مکان فیزیکی محراب و محل مراسم برگزار می نمایند، یکنواخت و هماهنگ نیست؛ یعنی نسبت به جلو یا عقب بودن و یا در محور اصلی یا در حاشیه ها بودن احساس تبعیض و چندگانگی ایجاد می شود.
- ۴- شاکله فضایی و هندسی در همه کلیساهای صلیبی، غیر متنوع، یکنواخت و تکراری است، حداکثر مقیاس ها تغییر یافته و رواق ها از سه یا پنج ردیف طولی تشکیل شده است.
- ۵- اکثریت قریب به اتفاق کلیساهای صلیبی، فاقد حیاط داخلی می باشند، بنابراین فاقد سلسله مراتب متنوع فضایی از خارج به داخل بوده و به دلیل ارتباط مستقیم ورودی و پنجره ها با فضای بیرون مزاحمت های هجواری افزایش می یابد.
- ۶- ورودی ها به کلیسا، طبقاتی است، یعنی انسان ها به دو گروه قدسین (کشیشان و روحانیون) و انسان های معمولی (غیر کشیش و غیر روحانی) تقسیم شده اند، ورودی کشیشان از دربی واقع در سر صلیب و محوطه محراب و ورودی انسان های معمولی از دم صلیب و انتهای سالن اجتماعات است.
- ۷- شاکله مربع مستطیل، فقط مناسب شنیدن سخنرانی و موعظه و دیدن سخنران است، اما برای حضور قلب و تمرکز درونی انسان، که حقیقت جوهری و معنوی عبادت می باشد، مناسب نیست. (انسان در حالت اول منفعل و در حالت دوم فعال است).
- ۸- جدا شدن فضای محراب از سالن اجتماعات، ضمن تأکید بر دوگانگی انسان ها که خداوند فطرتاً آن ها را یگانه و از یک نوع آفریده است، به دلیل عدم تفکیک بانوان و آقایان، مزاحم سیر از آفاق (ادراکات حسی - غریزی) به سیر در انفس (ادراکات عقلی - روحانی) نیایشگران می باشد.
- ۹- به دلیل عدم وجود حیاط داخلی، ترکیب سایر فضاهای خدماتی، که می تواند مکمل یک فضای عبادی و چند منظوره باشد، با مشکلات زیادی روبرو است.
- ۱۰- سلول فضایی و داخلی سالن اجتماعات، به طور کلی مکعب مستطیل است، این سلول نیایشگران را با دو کشش مکانی به سوی فضای دور از دسترس و قابل رویت محراب و از طرفی به سوی فضای مرتفع و کشیده سقف مواجه می نماید، بنابراین، استقلال، استقرار، سکون، درونگرایی، تمرکز و حضور قلب نیایشگران را مخدوش می کند. (گنبدخانه نیز معمولاً در محل تقاطع دو بال صلیب با فضای محراب که خارج از محل مخاطبین است، قرار دارد).
- ۱۱- فضای مکعب مستطیل سالن اجتماعات که محل حضور مخاطبین است، فضایی مستقل و درونگرا نیست و کاملاً وابسته به فضای محراب و بعنوان یک فضای فرعی و وابسته تلقی می شود.
- ۱۲- از آنجا که محور دید نیایشگران به سوی تریبون سخنرانی و کشیشانی است که در حال انجام مراسم می باشند، بنابراین نیایشگر خود را قهرمان داستان نیایش نمی یابد و بعنوان یک تماشاچی در صحنه حضور دارد، درحالی که عبادت حقیقی یک اتصال درونی و بدون واسطه، عبد با معبود یکتاست.

۴-۲- از بعد نمادپردازی

الف- مساجد

- ۱- نقشه، پلان و شاکله حجمی مکعب در سلول فضایی شبستان‌های مساجد، نماد خانه کعبه است. به مفهوم اولین خانه‌ای که طراح آن خداوند، مجری آن پیامبر اکرم(ص) و نتیجه و حاصل آن پذیرش توبه حضرت آدم(ع) بوده است.
- ۲- تک گنبدهایی که بر فراز شبستان اصلی مساجد ساخته می‌شود، از منظر بیرونی نماد وحدت، خودسازی و سیر در انفس است، که مفاهیم درونگرایی، یگانگی، استقلال، سبکی، خلود و لایتناهی درونی را به نمایش می‌گذارند. مفهوم حقیقی عبادت نیز امری درونی، وحدت بخش، ذاتی، وجودی، تکاملی و جاودانه است.
- ۳- مناره‌ها در مساجد، نماد کثرت و جامعه سازی است و از سقف شبستان بلندتر ساخته می‌شود، تا صدای مؤذن برای دعوت مخاطبان تا دور دست برسد و نقشه آن، دایره و به تعداد دو یا بیشتر است، یعنی پیام مؤذن باید به همه اقشار و افراد جامعه بدون تبعیض اعلام شود و نماد جهانی بودن و همگانی بودن مکتب اسلام است. موضوع دعوت نیز با صدای انسانی و به صورت جامع و عمیق مهم‌ترین فرازهای مکتب را ابلاغ می‌نماید.
- ۴- محراب فاقد فضا و مکان عینی و جدا شده از شبستان اصلی است، محراب فقط جهت قبله غیر عینی و ذهنی را مشخص می‌نماید. مفهوم قبله یعنی خانه کعبه نیز، نماد تولد انسان کامل یعنی (حضرت علی(ع)) در آن خانه است که به معجزه الهی در آن مکان متولد شده‌اند، بنابراین محراب نماد سیر و سلوک متعالی انسان، به سوی انسان کامل شدن است. از آن جهت که محراب مکان عینی و ملموس ندارد، قلب هریک از نیایشگران محراب عبادت می‌شود و زمینه‌ساز سیر از آفاق به انفس هریک از آن‌ها است.
- ۵- سلول‌های فضایی شبستان‌ها حتی‌المقدور دارای فرازی و گشایشی در سقف‌ها می‌باشند، این گشایش و رفعت، نماد آسمان لطیف، سیال و نورانی در طبیعت و مقابل جسم جامد، سنگین و محدود زمین است. آسمان در عالم طبیعت نیز، نماد عالم مثال و ملکوت در مقابل عالم ناسوت و مُلک است. حاصل حقیقی عبادت نیز، سیر تکاملی انسان از عالم مُلک به عالم ملکوت است. در مجموع فضای درونی سلول‌های فضایی و گنبدها، نماد سیر از کثرت عالم طبیعت به وحدت مقام ذات الهی است. که نماد مفهوم حقیقی عبادت و سیر تکاملی انسان‌ها از او و به سوی اوست، است.^{۲۲}
- ۶- اهمیت، برجستگی و شاخص بودن ورودی‌های مساجد، نسبت به بدنه‌ها و کل حجم و نمای بیرونی نماد اهمیت، اصالت و ارزش حقیقی و ذاتی نیایشگران نسبت به عدم اصالت ذاتی کالبد نیایشگاه و اعتباری بودن و وسیله بودن شاکله عبادتگاه‌ها است. در واقع ورودی‌ها نماد طاق نصرتی هستند، دلپذیر، مهمانپذیر و جذاب برای ورود و حضور نیایشگر و اصالت بخشیدن به انسان‌ها و تکامل حقیقی و واقعی آن‌ها است.
- ۷- عدم تفکیک ورودی‌ها برای اقشار مختلف مردم، نماد فطرت نوعی و الهی همه انسان‌ها است. از منظر اسلامی، نفی هر نوع تبعیض نژادی و طبقاتی و نماد جهانی و انسانی بودن این دین خاتم است.
- ۸- جداکردن ورودی، مسیرهای عبوری، خدماتی و شبستان‌ها برای بانوان و آقایان، نماد حریم، محرم و نامحرم در فضای عبادی است. ارتباط با نامحرم، باعث هبوط انسان به عالم حس و غریزه می‌شود، درحالیکه عبادت حقیقی، سیر از عالم حس و غریزه به عالم عقل و قلب است. غریزه بعد حیوانی انسان، عقل پیامبر درونی و قلب نیایشگر محل حضور خداوند متعال است.

^{۲۲} - إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ. «ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می‌گردیم» (سوره: البقره: آیه: ۱۵۶)

۹- خواندن صیغه برای زمین مسجد و ثبات کاربری آن برای نیایشگاه مسلمانان تا ابد، نماد پایان سیر تکاملی برای کاربری زمین است. از آنجا که زمین و زمان برای عبادت انسان‌ها خلق شده است بنابراین غایت تکاملی برای کاربری زمین، نیایشگاه انسان بودن است و نباید بعد از آن به مرتبه پایین‌تری نزول نماید.

۱۰- جداسازی وضوخانه و آبریزگاه از زمینی که برای مسجد عقد شده است و لزوم رعایت حریم آن، نماد وجود سلسله مراتب موجودات و به تبع آن افکار و اعمال انسان‌ها است. مراتب پایین‌تر وجود و به تبع آن اندیشه‌های کافران و مشرکانه و به تبع آن اعمال فجوری، به نوعی نجس و آلوده هستند و نباید مراتب بالاتر را آلوده نمایند. بنابراین نه تنها آبریزگاه‌ها باید جدا از زمین عقد شده برای نیایشگاه مسلمین باشند، بلکه حضور انسان‌های آلوده به کفر و شرک نیز نباید قبل از تطهیر از کفر و شرک وارد این فضای مقدس شوند.

۱۱- وجود حیاط‌هایی درونگرا، حتی‌المقدور با محورهای قرینه و منظم، تمرکز آفرین و در قلب آن حوض آب برای وضو، نماد سیر از آفاق به سیر در انفس، از برونگرایی به درونگرایی، از تفرق‌گریزی و حسی به تمرکز عقلی و قلبی، هجرت از خاک است به آب، از زمین است به آسمان و در نهایت سیال و موج و نورانی شدن و ملکوتی شدن. یعنی نماد سیر از کثرت عالم طبیعت به وحدت عالم معنویت و روحانیت.

۱۲- رسمی‌ها و مقرنس‌هایی که از چهار یال مربع واقع در شبستان‌ها و یا از سایر یال‌های فرد و زوج در سلول‌های فضایی آغاز و در نهایت با تنوعی دل‌انگیز و رفیع به شمسه موجود، در انتها الیه خود می‌رسند، نماد سیر از کثرت به وحدت، از عالم طبیعت به عالم ملکوت و از خاک به خداست. حقیقت عبادت نیز، پیوستن عبد است به معبود و قطره است به دریا.

۱۳- در نمازسازی‌ها، آنجا که تقسیمات کتیبه‌ها، پنجره سازی‌ها، ایوان‌ها، و ورودی‌ها، به تقسیمات سه یا پنج یا هفت و غیره ختم می‌شود، یعنی همیشه مرکز آن فضای خالی برای دید و یا عبور انسان است و در اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها، مقیاس قطعه وسطی که در محور واقع شده است، بزرگتر، بلندتر، جذاب‌تر و اغلب ایوان ورودی است، نماد اهمیت حاکمیت و اصالت انسان، نسبت به کالبد بنا است. یعنی هیچ عضو خاکی و جامدی نباید مانع سیر دیداری و یا عبوری انسان به فضای مطلوب خود باشد و سیالیت و شفافیت فضایی را خدشه دار کند. البته به جز مواردی که برای خود و یا انسان‌های دیگر مزاحمت همجواری ایجاد می‌نماید.

۱۴- منبر در شبستان‌های مساجد نماد جامعه‌سازی و تکامل اعتقادی و اخلاقی نیایشگران توسط انسان عالم و متخصص است، زیرا عبادت حقیقی دارای دو بال است، اول «رشد عقلانی، ایمانی و اعتقادی» و دیگری سیر و سلوک عملی یا «عمل صالح». بنابراین منبر که محل بیان و تفسیر اعتقادات و مواعظ است نماد تکامل عقلانی و ایمانی نیایشگران و درعین حال نماد جامعه‌سازی بوسیله امام جماعت مسجد و سایر علماء و ذاکرین است.

۱۵- امام جماعت که با درخواست نیایشگران محلی و منتخب مجتهد اعلم آن‌هاست، نماد مجتهد اعلم و او، نماد ولی فقیه و متقابلاً او نماد امام حاضر، ناظر و غیر ظاهر یعنی امام زمان (عج) (انسان کامل) است. در خانه کعبه نیز، سنگ آسمانی و نصب شده در پای درب آن خانه، نماد امام عصر (عج) است، که حاجیان طواف خود را از آنجا آغاز و در آنجا به پایان می‌برند و مصاحفه با آن، نماد بیعت و تبعیت از امام زمان (عج) است. پیامبر اکرم (ص) نیز در شأن امامت فرمودند: «من شهر علم هستم و علی دروازه آن؛ کسی که خواهان ورود به این شهر باشد باید از دروازه آن وارد شود»^{۲۳}. یعنی سلسله مراتب ولایی^{۲۴}، چراغ راه سیر و سلوک الهی و عبادت حقیقی است.^{۲۶}

^{۲۳} - قال رسول الله: أنا مدينة العلم و علي بابها فمن أراد الحكمة فليأتها من بابي. (بحار الأنوار ج: ۲۸ ص: ۱۹۹)

^{۲۴} - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ. «ي کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید» (سوره: النساء، آیه: ۵۹)

ب- کلیساهای صلیبی

انتخاب نماد صلیب برای نقشه (پلان) کلیسا دارای اشکالات ذیل است:

- ۱- این نوع نمادگرایی، نماد تقلیدی از صورت به صورت است، درحالی که نمادگرایی باید محتوایی بوده و برای بیننده پلی باشد از صورت به مفهوم و معنایی مشخص و بستر سازی سیر انسان از عالم حواس ظاهری به مفاهیم باطنی، که حقیقت عبادت و سیر و سلوک تکاملی انسان است.
- ۲- نماد صلیب، کالبدی است ایستاده و عمود بر زمین و انتخاب آن برای پلان کلیسا، که کالبدی است موازی سطح زمین حتی به عنوان یک نماد صوری نیز نامناسب بوده و اصولاً بعد از ساخت نیز، توسط بیننده از خارج یا از داخل کلیسا، صورت آن قابل مشاهده و درک نیست.
- ۳- صلیب یک جسم و حجم تو پُر است و این حجم تو پر را برای یک فضای معماری، که اساس آن فضای خالی، برای حضور انسان‌هاست، کاملاً نامناسب و ناموجه است.
- ۴- مفهوم صلیب از منظر مسیحیان به معنای وسیله‌ای که با آن به تعبیری پسر خدا و به تعبیری دیگر پیام‌آور معصوم الهی را به فجع‌ترین شکل ممکن به قتل رسانده‌اند، چه نسبتی با مفهوم نیایشگاه دارد، زیرا نیایش و نیایشگاه قرار است انسان را به حیات جاودانی و تکامل وجودی برساند، نه آنکه او را نابود نماید.
- ۵- به عقیده مسیحیان حضرت عیسی(ع) پسر خدا و یا پیام‌آور الهی، خورش ریخته می‌شود تا شفاعت و نجات انسان‌ها را بر عهده گیرد، با این تعبیر صلیب نماد شفاعت و نجات انسان‌ها است. این عقیده از منظر اسلامی کاملاً ناموجه، غیر عقلانی و منحرفانه است، زیرا اولاً حضرت مسیح(ع) عروج کرده و به قتل نرسیده، ثانیاً شفاعت مربوط به عالم قیامت است و نه این دنیا. در این دنیا هر کس متعهد و مسئول اعمال و رفتار خویش است، ضمن آنکه شفاعت شامل حق‌الناس نمی‌شود و خداوند نیز حق‌الناس را نمی‌بخشد. در مکتب تشیع نیز که حضرت امام حسین(ع) (سیدالشهدا) بارزترین مرجع شفاعت معرفی شده‌اند، در آخرین جمله وصیت ایشان قبل از شهادت، می‌فرمایند: «آیا کسی هست مرا یاری کند، آیا کمک کننده‌ای هست که مرا کمک کند»^{۲۷} یعنی تنها کسانی شامل شفاعت معصومین(ع) در قیامت می‌شوند، که در عمل و در زندگانی دنیا، راه آن‌ها را رفته و در جهت اهداف آن‌ها قیام کرده باشد، ضمناً شفاعت فقط برای جبران کمبودها و نارسایی‌هاست و شامل همه انسان‌ها نیز نمی‌شود^{۲۸}.
- ۶- محراب به مفهوم محل جنگ و مبارزه است، یعنی جنگ با نفس حیوانی در درون و جنگ با طغیان‌گران و حق‌ستیزان در بیرون. بنابراین محراب باید محل فعالیت و عمل آگاهانه و اختیاری انسان‌ها باشد، محرابی که دیگران در آن سخنرانی نمایند و مراسم انجام دهند، برای کسانی که تماشاچی، شنونده و منفعل هستند و فقط آمین گو، محل قیام بر علیه شیطان در درون و بیرون نمی‌تواند باشد.

^{۲۵} - وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ. «و مردان و زنان با ایمان دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و نماز را بر پا می‌کنند و زکات می‌دهند و از خدا و پیامبرش فرمان می‌برند آنانند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد که خدا توانا و حکیم است» (سوره: التوبة، آیه: ۷۱).

^{۲۶} - امام رضا(ع): وَكَلِيَّةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حِصْنِي فَمَنْ نَحَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي «ولایت [و رهبری] علی بن ابی‌طالب صلوات الله علیه در محفوظ من است، هر کس وارد این پایگاه امن شود از عذاب الهی در امان است. (عیون اخبار الرضا علیه السلام؛ جلد ۲، ص ۱۳۶)

^{۲۷} - امام حسین(ع): هَلْ مِنْ نَاصِرٍ بِنَصْرِنِي هَلْ مِنْ مَعِينٍ يَعِينُنِي «کیست که مرا یاری کند، آیا کمک کننده‌ای هست تا مرا کمک کند».

^{۲۸} - امام صادق(ع): إِنَّ شَفَاعَتَنَا لَأَنْتَ لَمْ تُسْتَحْفَظْ بِالصَّلَاةِ. «بدرستی که شفاعت ما به کسی که نماز را سبک بشمارد نمی‌رسد». (وسائل الشیعة ج: ۴ ص: ۲)

۷- در مورد غرفه‌هایی که مسیحیان در حضور کشیش کلیسا، به گناهان خود اعتراف می‌کنند و از او طلب عفو و توبه می‌نمایند. باید گفت اولاً خداوند در قلب مؤمنین است و باید به او اعتراف نمود و از او طلب توبه کرد و بیان گناهان به دیگران، اشاعه فحشاء و خود گناه دیگری است. ثانیاً مسیر توبه فقط اقرار و اعتراف نیست، بلکه هر گناهی توبه خود را دارد و باید توسط مرتکب گناه دقیقاً اقدام و تا رضایت طرف‌های مقابل و پذیرش خداوند متعال ادامه داشته باشد.

۸- در برخی کلیساهای صلیبی، از منظر بیرونی گنبدها دارای چندین بام گنبدی هستند و یگانه نیستند. بنابراین مفهوم وحدت، درونگرایی و یگانگی را که نماد خودسازی و سیر در انفس بوده، خدشه‌دار می‌سازند.

۹- ناقوس کلیسا بعنوان نماد ارتباط مردم و دعوت از آن‌ها برای شرکت در مراسم است. این دعوت از طریق صدا و زنگ دو عنصر فلزی انجام می‌شود و حاصل هیچ پیام مشخصی جز صدای زنگ نیست. درحالی‌که اولاً برای کسانی که به کلیسا نمی‌آیند، با صدای زنگ، آگاهی و شناختی معنوی و اعتقادی صورت نمی‌گیرد و برای کسانی که این دعوت را پذیرفته‌اند، حاصل پیام و معرفتی نیست. درحالی‌که اذان مسلمانان، اولاً با صدای انسان مؤمن، که عالیت‌ترین موجود هستی است، مخاطبین را دعوت می‌نماید، دوماً مفهوم جملات اذان، بطور خلاصه، چکیده و عصاره مکتب اسلام است، که با وضوح و عمق، مخاطبین را به وصال حضرت حق و سیر و سلوک الهی دعوت می‌نماید.

۱۰- کم بها دادن به ورودی در مقابل کالبد و نمای ساختمان و آرایه‌های آن از مجسمه‌ها و نقش برجسته‌های متنوع و متعدد، نماد اصالت بخشیدن به کالبد بنا و دنیای مادی و کم توجهی به انسان‌هایی است که از منظر اسلامی، همه جهان برای آن‌ها و آن‌ها برای سیر الی الله خلق شده‌اند و عالم مادی نسبت به آن‌ها پست‌ترین عالم وجود است.

۱۱- جداکردن ورودی کشیشان، از سایرین، نماد تبعیض هویتی و ذاتی میان انسان‌ها است، درحالی‌که خداوند همه انسان‌ها را از یک نوع و همه را دارای فطرت الهی معرفی می‌نماید و ارزش آن‌ها نیز به ایمان و اعمال شایسته است و به مشاغل و تخصص‌های آن‌ها در این دنیا نیست. و فقط بعد از مرگ افراد صالح و ناصالح شناخته می‌شوند. خداوند در قرآن عالمانی را که محفوضات دینی دارند ولی در عمل با تقوی و شایسته نیستند، با بدترین عنوان یعنی حیوانی که بار آن‌ها کتاب است، یادآوری می‌نماید.

۱۲- جدا کردن فضای محراب از فضای شبستان و جداکردن محل حضور کشیشان و برگزارکنندگان مراسم، از سایر مردم، نماد مادی و اعتباری نمودن حقیقت عبادت است، درحالی‌که عبادت حقیقتی درونی، ذاتی، فردی و اختیاری است. مبتنی بر دو رکن آگاهی (ایمان) و عمل ارادی و آگاهانه (عمل صالح).

۱۳- ردیف صندلی‌ها و نشستن یکنواخت، منظم و ثابت بر روی آن‌ها، نماد نهایت انفعال، تماشاچی بودن و عدم انتخاب و اختیار مؤمنین است. درحالی‌که در شبستان مساجد نحوه نشست و برخاست مؤمنین کاملاً، متنوع و اختیاری است و فقط برای ادای نماز در صف‌های منظم به سوی قبله قرار می‌گیرند و حرکات آن‌ها، ایستاده، خم شده، نشسته و به سجده رفته بوده و متنوع است. و در گفتار نماز نیز، برخی توسط امام جماعت، برخی جمعی و برخی از اذکار فردی ادا می‌شود.

۴-۳- از بعد آرایه‌ها

قبل از طرح مطلب لازم است به دو نکته توجه نماییم:

۱- از منظر اسلامی مراتب وجود، هریک زیبایی‌ها و تزئینات مربوط به خود را دارد، که در عالم ملک از طریق حواس پنج‌گانه و غرایز حیوانی انسان ادراک می‌شوند و مورد لذت و اقیاع موقتی او قرار می‌گیرند و در عالم معقول و مفاهیم، از طریق عقل و قوه عاقله انسانی ادراک شده و مورد لذت‌های معنوی و مفهومی او قرار می‌گیرند. در عالم ملکوت نیز از طریق روح و فطرت الهی انسان ادراک شده و مورد ابتهاج و انبساط روحانی و تکامل جوهری او قرار می‌گیرند. بنابراین از منظر اسلامی، سه نوع آرایه و سه نوع زیبایی مربوط به هریک از عوالم سه‌گانه داریم، که در طول هم بوده و

می‌توانند بستر عروج، تکامل و سعادت انسان از پست‌ترین عالم یا بالعکس بستر هبوط و سقوط و بد فرجامی انسان از عالی‌ترین عالم به پست‌ترین عالم بشوند. البته از منظر هستی‌شناسی و نظام احسن، هر کدام از این زینت‌ها برای آن عالم، موجب زیبایی و حسن است، اما نسبت به عالم برتر، دارای جمال و حیات محدودتر و ضعیف‌تری است. بنابراین زشت و یا نامناسب و ناشایست تلقی می‌شود. نکته مهم رابطه این سه نوع آرایه و زیبایی با انسان است. انسانی که برای عروج اختیاری و آگاهانه، به عالی‌ترین مراتب وجود خلق شده است و استعداد آنرا نیز دارد، وقتی به زیبایی‌های پایین‌ترین مرحله وجود یعنی زیبایی‌های ظاهری، حسی و غریزی قانع می‌شود و از زیبایی‌های برتر غافل ماند، مفهوم زشتی و ناشایستگی مطرح می‌شود، زیرا انسان از سیر تکاملی بازمانده و استعدادهای تکاملی و سعادت ابدی خود را مخدوش و نابود می‌نماید.

۲- نکته قابل توجه، تفاوت واژه «جمال» با واژه «زینت» در قرآن مجید است. صفت جمال جزء اسماء الحسنی الهی و از صفات ذاتی اوست و به خداوند نسبت داده می‌شود نظیر (والله جمیل) خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد، بخشنده است و بخشش را دوست دارد، پاکیزه است و پاکیزگی را دوست دارد^{۲۹}. اما زینت، جزء صفات فعلی اوست و هم به خداوند و هم به شیطان نسبت داده می‌شود. زیبایی، یعنی موجودی را، ذاتاً زیبا آفریدن، اما تزئین یعنی موجود کم ارزش و کم زیبایی را بیش از حقیقت وجودی و جایگاه آن زیبا و با ارزش جلوه دادن. در مورد خداوند می‌گوییم «یا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ»^{۳۰} یعنی کسی که زیبایی‌ها را جلوه می‌دهد و زشتی‌ها را می‌پوشاند. اما در مورد شیطان می‌گوییم «وَجَدَّتْهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ»^{۳۱} یعنی شیطان اعمال زشت و ناشایست آن‌ها را تزئین نمود و زیبا جلوه داد و یا شیطان می‌گوید: «پروردگارا به سبب آنکه مرا گمراه نمودی، برای آن‌ها، آنچه را که در زمین است می‌آرایم و بدینوسیله همه را گمراه می‌کنم»^{۳۲}. یعنی زیبایی‌های حسی، ظاهری و مادی را که موقتی و نابود شدنی است و زیبایی پایین‌ترین مرتبه وجود و عالم طبیعت است برای انسان‌ها که ذاتاً برای زیبایی‌های معنوی و روحی خلق شده‌اند تزئین می‌نمایم و آن‌ها را فریب می‌دهم. تا بدینوسیله آن‌ها را از توجه، کشف، استنباط و شهود زیبایی‌های معنوی و روحی، که بستر کمال وجودی و حیات جاودانی و لذت‌ها و زیبایی‌های عمیق‌تر و پایدارتر است باز دارم.

الف- مساجد

۱- با توجه به ممنوعیت ساختن مجسمه و کشیدن نقاشی از موجودات زنده (حیوانات و گیاهان) در اسلام و اقدام عملی پیامبر اکرم (ص) با تخریب و محو مجسمه‌ها (بت‌ها)، نقاشی‌های بیرون و اندرون خانه کعبه، تزئینات با اینگونه عناصر از بعد نظری و عملی ممنوع اعلام گردید.

۲- در قرآن مجید یک نوع تزئین شیطانی، فریبنده و مدموم اعلام و ممنوع شده است. شیطان پس از آنکه، علی‌رغم فرمان الهی، به انسان سجده نکرد و ملعون قرار گرفت، به جای عذرخواهی و توبه همانگونه که در (سوره الحجر، آیه ۳۹) ارائه شد، می‌گوید: «پروردگارا به سبب آنکه مرا گمراه ساختی من هم آنچه را که در زمین است (زیبایی‌های حسی -

^{۲۹} - پیامبر اکرم (ص): إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ، سَخَىٰ يُحِبُّ السَّخَاءَ، نَظِيفٌ يُحِبُّ النَّظَافَةَ؛ (نهج الفصاحه ص ۲۹۳، ج ۶۹۰)

^{۳۰} - ای که زیبایی را آشکار کنی، و زشتی را بپوشانی. (مفاتیح الجنان، دعای یا من اظهر الجمیل)

^{۳۱} - او و قومش را چنین یافتیم که به جای خدا به خورشید سجده می‌کنند و شیطان اعمالشان را برایشان آراسته و آنان را از راه [راست] باز داشته بود در نتیجه [به حق] راه نیافته بودند. (سوره: النمل، آیه: ۲۴)

^{۳۲} - قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لِأَرِيَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا أُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ. «گفت پروردگارا به سبب آنکه مرا گمراه ساختی من [هم گناهانشان را] در زمین برایشان می‌آرایم و همه را گمراه خواهم ساخت». (سوره: الحجر؛ آیه: ۳۹)

غریزی) را برایشان می‌آراییم و همه را گمراه خواهیم ساخت^{۳۳} آیه فوق نشان می‌دهد، برجسته و شاخص کردن، مطلق و منحصر نمودن زیبایی‌ها به آنچه مادی و متعلق به عالم طبیعت است، فریب و نیرنگی شیطانی، برای جلوگیری از سیر و تکامل معنوی انسان‌ها است. ضمناً ملاحظه می‌شود که شیطان ادعا می‌نماید با این نیرنگ همه انسان‌ها را فریب خواهد داد، مگر تعداد خیلی کمی که از وابستگی به تعلقات مادی، آزاد شده‌اند.

بنابراین تزئینات شیطانی در مجموع، اصالت را به عالم ماده و طبیعت می‌دهد و انواع زیبایی‌ها را در زیبایی‌های ظاهری منحصر و محدود نموده و می‌خواهد از کمال و سعادت ابدی انسان جلوگیری نماید، موضوعاتی که شیطان بوسیله آن انسان‌ها را فریب می‌دهد و در قرآن به آن اشاره شده است اجمالاً عبارتند از: مطلق کردن و اصالت بخشیدن به زیبایی‌های عالم طبیعت^{۳۴} ترجیح حیات دنیوی^{۳۵} لذت‌های غریزی^{۳۶} تزئین اعمال و رفتار ناشایست انسان^{۳۷} اسراف در دوستی زنان، فرزندان^{۳۸} اموال (زخارف دنیا^{۳۹})، لهو و لعب، تفاخر^{۴۰} و ...

۳- در قرآن مجید یک نوع تزئین نیز الهی، شایسته، ممدوح و بستر تعاملی و تکاملی انسان معرفی شده است.

قرآن به این تزئینات اشاره می‌نماید:

۳۳ - قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَهُمْ أَجْمَعِينَ. (سوره: الحجر، آیه: ۳۹). إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ. (سوره: الحجر، آیه: ۴۰)

۳۴- همان ۱۳.

۳۵ - الَّذِينَ يَسْتَحْبِبُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ. «همانان که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دهند و مانع راه خدا می‌شوند و آن را کج می‌شمارند آنانند که در گمراهی دور و درازی هستند» (سوره: ابراهیم، آیه: ۳). / زَيْنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ. «زندگی دنیا در چشم کافران آراسته شده است و مؤمنان را ریشخند می‌کنند و [حال آنکه] کسانی که تقوایشه بوده‌اند در روز رستاخیز از آنان برترند و خدا به هر که بخواهد بی‌شمار روزی می‌دهد» (سوره: البقره، آیه: ۲۱۲)

۳۶ - زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَايِ. «دوستی خواستنیها [ی گوناگون] از زنان و پسران و اموال فراوان از زر و سیم و اسب‌های نشاندار و دامها و کشتزار [ها] برای مردم آراسته شده [لیکن] این جمله مایه تمتع زندگی دنیاست و [حال آنکه] فرجام نیکو نزد خداست» (سوره: آل عمران، آیه: ۱۴)

۳۷ - إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيْنًا لَهُمْ أَعْمَالُهُمْ فَهُمْ يَغْمَهُونَ. «کسانی که به آخرت ایمان ندارند کردارهایشان را در نظرشان بیاراستیم [تا همچنان] سرگشته بمانند» (سوره: النمل، آیه: ۴)

۳۸ - زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ «دوستی خواستنیها [ی گوناگون] از زنان و پسران و اموال فراوان از زر و سیم و اسب‌های نشاندار و دامها و کشتزار [ها] برای مردم آراسته شده» (سوره: آل عمران، آیه: ۱۴)

۳۹ - إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنَبْ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ. «در حقیقت مثل زندگی دنیا پسان آبی است که آن را از آسمان فرو ریختیم پس گیاه زمین از آنچه مردم و دامها می‌خورند با آن درآمیخت تا آنکه که زمین پیرایه خود را برگرفت و آراسته گردید و اهل آن پنداشتند که آنان بر آن قدرت دارند شبی یا روزی فرمان [ویرانی] ما آمد و آن را چنان در ویده کردیم که گویی دیروز وجود نداشته است این گونه نشانه‌ها [ی خود] را برای مردمی که اندیشه می‌کنند به روشنی بیان می‌کنیم»

۴۰ - اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيحُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُرُورِ. «بدانید که زندگی دنیا در حقیقت بازی و سرگرمی و آرایش و فخرفروشی شما به یکدیگر و فزون‌جویی در اموال و فرزندان است [مث ل آنها] چون مث ل بارانی است که کشاورزان را رستنی آن [باران] به شگفتی اندازد سپس [آن کشت] خشک شود و آن را زرد بینی آنگاه خاشاک شود و در آخرت [دنیا پرستان را] عذابی سخت است و [مؤمنان را] از جانب خدا آمرزش و بخشودگی است و زندگانی دنیا جز کالای فریبنده نیست.» (سوره: الحديد، آیه: ۲۰)

الف- تزئین آسمان تاریک و ظلمانی دنیا با انوار، نورانی ستارگان^{۴۱} و چراغانی^{۴۲} و برج‌هایی^{۴۳} خوش آیند نمودن ایمان و تزئین زینت‌های دنیوی تا وسیله باشد و هدف نشود^{۴۴} و تا عادلانه و بجا و مناسب باشد و اسراف نشود، بلا اشکال است.^{۴۵} بهترین محل برای تجلی زینت‌های مساجد^{۴۶} و بهترین نوع زیبایی‌ها علم و ایمان و تقوی و اعمال شایسته است.^{۴۷} با توجه به مطالب مطرح شده به بررسی اجمالی نوع آرایه‌ها در مساجد می‌پردازیم:

۱- مساجد فاقد مجسمه‌ها، نقش برجسته‌ها، و نقاشی‌ها در بدنه‌های خارجی و فضاهای داخلی می‌باشند، بنابراین نیایشگران را منفعل و تماشاچی نمی‌نمایند و در عالم طبیعت متوقف و غافل نمی‌کنند.

۲- تزئین اصلی و تعیین کننده در اکثر مساجد، بعد از مفهوم درونگرایی و سکون فیزیکی، ایجاد وحدت و هماهنگی بین اجزاء و عناصر معماری است. این مفهوم یا باروکشی یکنواخت از مواد و مصالح ساختمانی نظیر اندود گچ به عنوان پوشش سفت کاری نا همگن و تیره و تاریک ساختمان به کار می‌رود و یا با اجزاء تکراری آجر و ملات‌های یکنواخت ایجاد می‌شود.

۳- تزئین دیگری که در مرحله بعد و در شاکله کلی بنا ایجاد می‌شود، مفهوم سیر از زمین به آسمان و از کثرت به وحدت است. این مفهوم با مسطح و مفروش نمودن کل شبستان با قالی‌هایی پر از نقش‌های هندسی و گل‌های تلخیصی و سمبلیک با رنگ‌های متنوع فضایی به عنوان نماد طبیعت و زمین. سپس قرنیزهایی از سنگ یا سرامیک، که ضمن پایداری و مقاومت لازم، کف شبستان را با دیوارها پیوند می‌دهد و پس از آن یال‌هایی برافراشته و عمودی که برفراز آن ساختاری از افت و خیز بسیار دل‌انگیز و متنوع فضایی به عنوان رسمی و مقرنس، که به شمشه ختم می‌شود و تمثیلی است از آسمان و خورشید و مفهومی است از کثرت زمین به آسمان وحدت بخش.

۴- تزئین دیگری که در شبستان‌ها و مجموع فضاهای داخلی بهره برداری می‌شود، ایجاد کتیبه‌هایی است موزون که به بدنه‌ها مقیاس انسانی بخشیده و ایجاد سکون و آرامش در فضای داخلی را تشدید می‌نماید.

۴۱- «إِنَّا زَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ.» «ما آسمان این دنیا را به زیور اختران آراستیم» (سوره: الصافات، آیه: ۶)

۴۲- «فَفَضَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ.» «پس آنها را [به صورت] هفت آسمان در دو هنگام مقرر داشت و در هر آسمانی کار [مربوط به] آن را وحی فرمود و آسمان [این] دنیا را به چراغها آذین کردیم و [آن را نیک] نگاه داشتیم این است اندازه‌گیری آن نیرومند دانا.» (سوره: فصلت، آیه: ۱۲)

۴۳- «وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيْنَاهَا لِلنَّظَّارِينَ.» «و به یقین ما در آسمان برجهایی قرار دادیم و آن را برای تماشاگران آراستیم»

۴۴- «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ.» «ای فرزندان آدم جامه خود را در هر نمازی برگزید و بخورید و بیاشامید [ولی] زیاده‌روی مکنید که او اسرافکاران را دوست نمی‌دارد.» / «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ.» «[ای پیامبر] بگو زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده و [نیز] روزیهای پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده بگو این [نعمت‌ها] در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند و روز قیامت [نیز] خاص آنان می‌باشد این گونه آیات [خود] را برای گروهی که می‌دانند به روشنی بیان می‌کنیم» (سوره: الأعراف، آیه ۳۱ و ۳۲)

۴۵- «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِيُنْبَئِلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا.» «در حقیقت ما آنچه را که بر زمین است زیوری برای آن قرار دادیم تا آنان را بیازماییم که کدام یک از ایشان نیکوکارترند» (سوره: الکهف، آیه: ۷) / «وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدَ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا.» «و با کسانی که پروردگارشان را صبح و شام می‌خوانند [و] خشنودی او را می‌خواهند شکیبایی پیشه کن و دو دیده‌ات را از آنان برگیر که زیور زندگی دنیا را خواهی و از آن کس که قلبش را از یاد خود غافل ساخته‌ایم و از هوس خود پیروی کرده و [اساس] کارش بر زیاده‌روی است اطاعت مکن» (سوره: الکهف، آیه: ۲۸)

۴۶- «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ.» (سوره: الأعراف، آیه: ۳۱)

۴۷- «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ.» «ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست بی‌تردید خداوند دانای آگاه است.» (سوره: الحجرات، آیه: ۱۳)

۵- تزئین دیگر، بهره برداری از نقوش انتزاعی و هندسی است. یکی از مهم‌ترین تزئینات معماری در دوران اسلامی، که با حرمت مجسمه سازی و نقاشی از موجودات زنده، مورد بهره‌برداری قرار گرفت، نقوش هندسی است. این نقوش ضمن آنکه سطوح بزرگ دیوارها را با ریزدانه‌های متنوع خود منقش می‌نماید، در عین حال با تکرار و تداوم خود در کلیه سطوح، اعم از دیوارها، شبکه‌ها و درب‌ها و پنجره‌ها، وحدت و سکون فضایی را بسیار تشدید می‌نماید. این نقوش متنوع و مجرد از ماده و تظاهرات طبیعی، در عین حال تکراری و وحدت بخش، یکی از برجسته‌ترین عوامل دل‌انگیزی و دل‌پذیری غیرمادی، در فضاهای داخلی شبستان‌ها است.

۶- آرایه شاخص دیگر نوع کاربرد رنگ، در معماری دوران اسلامی، از جمله در شبستان مساجد است. معماران ابتدا یک رنگ متن را برای کلیه سطح مورد نیاز در نظر می‌گیرند، سپس از اکثر رنگ‌های دیگر گرم و سرد به ابعاد کوچک در فرم‌های هندسی و سایر اشکال انتزاعی و تجربیدی بهره‌برداری می‌نمایند. بدین ترتیب فضاهای داخلی از نظر رنگ، بسیار متنوع و رنگین و دل‌پذیر می‌شود و از طرف دیگر فاقد کنتراست و تضاد رنگی است و موجب هیجان حسی و مادی و غریزی نمی‌شود، بلکه به وحدت، هماهنگی، صفا و دلپذیری فضا می‌افزاید. در مجموع رنگ‌هایی که در سطح زمین به کار می‌رود اغلب رنگ‌هایی گرم و زمینی و رنگ‌هایی که در بدنه‌ها و سقف‌ها به کار می‌رود از رنگ‌های سرد و آسمانی است. این شیوه بستر مناسبی برای سیر از کثرت به وحدت و از صورت به معنا را فراهم می‌سازد.

۷- استفاده از نور در شبستان‌های مساجد، علی‌رغم کاربرد آن در بازارها و فضاهای تجاری، شدید و پر تضاد و با هیجان حسی همراه نیست. تلاش می‌شود اولاً نور حتی‌المقدور از همه بدنه‌ها به صورت یکنواخت به فضای داخلی وارد شود. دوماً با شبکه بندی آجر و کاشی بخصوص در نورگیری اطراف گنبدها، نور به صورت یکنواخت، ملایم و وحدت بخش کل فضای داخلی را منور گرداند و حتی‌المقدور از ایجاد سایه روشن و سایه انداز، که فضای داخلی را مبهم و وهم آلود می‌نماید جلوگیری شود.

۸- مهم‌ترین ویژگی آرایه‌ها در معماری دوران اسلامی، بهره‌برداری از کلام در بدنه‌های خارجی و داخلی است. خداوندیکه همه زیبایی‌های عالم طبیعت و آفرینش را برای انسان آفریده است، به مناسبت خلقت آن‌ها بر انسان‌ها منت نمی‌گذارد اما به دلیل ارسال پیامبران (کلام وحی و کتاب الهی قرآن) بر انسان‌ها منت می‌گذارد^{۴۸}. کلام عالی‌ترین و مؤثرترین و عمیق‌ترین ابزار انتقال مفاهیم و عقلانیت و معنویت به انسان است. با عقلانیت است که ایمان حقیقی در انسان‌ها شکوفا می‌شود و راه عمل صالح و سیر و سلوک روحانی و تکاملی انسان‌ها مشخص و ابلاغ می‌گردد. مهم‌ترین برجسته‌ترین تزئینات مساجد اسلامی، بهره‌برداری از کلام الهی و معصومین (س) و اشعار عرفانی و معنوی است. آرایه‌های کلامی در شاخص‌ترین و ممتازترین محور کتیبه‌ها، سر درب‌ها و در هندسه آسمانه‌ها، انسان را به عالم معنا و ملکوت روحانیت دعوت می‌نمایند و از طریق این آیات الهی، فضا به تمام معنا مقدس و منزّه می‌شود. فضایی که با آرایه‌های تنزیه‌ی و تجربیدی خود خالی از هیجان حواس و غرایز بهیمی شده بود، با کلام الهی، درب‌های خود را به سوی عالم قدس می‌گشاید و انسان زنده به حیات حیوانی و مرگ آلوده را به حیات جوهری و جاودانی دعوت می‌کند.

ب- کلیساها

باتوجه به عدم تحریم مجسمه‌سازی و نقاشی در فرهنگ مسیحی و با توجه به طبقه‌بندی انسان‌ها به کشیش و غیر کشیش و قدیس و غیر قدیس و با توجه به اتخاذ واسطه بین انسان و خدا و مقوله اقرار گناه به کشیشان به جای

۴۸- لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ. « به یقین، خدا بر مؤمنان منت نهاد [که] پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت، تا آیات خود را بر ایشان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد، قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند». (سوره: آل عمران، آیه:

خدائیکه در قلب ما است، بنابراین تفاوت‌های اساسی بین نوع آرایه‌ها در مساجد و کلیساها ایجاد شده است که اجمالاً به آن‌ها اشاره می‌شود.

۱- وجود مجسمه‌ها و نقش برجسته‌های متعدد در نمای ساختمان، باعث شده است، کالبد کلیسا از بیرون بیشتر شبیه یک نیایشگاه و موزه برونگرا باشد، تا یک نیایشگاه درونگرا.

۲- در محور قرار گرفتن مجسمه‌ها و نقش برجسته‌ها در نمای ساختمان و مقیاس عظیم و وسیع آن نسبت به درب‌های ورودی، اصالت را به جای انسان و محور ورودی او، به کالبد و شاکله بنای خارجی می‌دهد و انسان را منفعل و تماشاچی طلب می‌نماید.

۳- وجود مجسمه‌ها و نقش برجسته‌ها، با ابعاد سه بعدی و مادی خود، به شدت، کیفیت فضاهای داخلی را مادی و فیزیکی می‌نماید.

۴- وجود مجسمه‌ها و نقش برجسته‌ها و نقاشی‌ها، از موجودات زنده انسانی، حیوانی و گیاهی ... به شدت حواس پنج‌گانه، غریزی و جبری انسان‌ها را فعال می‌نماید. درحالی‌که عبادت حقیقی، سیر اختیاری انسان از ظاهر به باطن، از صورت به معنا، از بیرون به درون، از کثرت به وحدت و از ادراک حسی- غریزی به استنباط فهمی- عقلی و مکاشفه شهودی- قلبی است.

۴-۴- مقایسه کالبدی کلیساها و مساجد

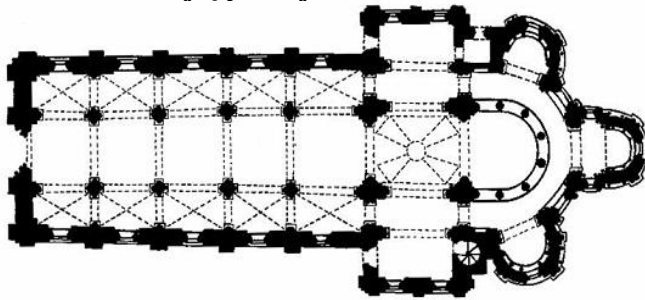
در طراحی برخی از معابد و به طور خاص کلیساها که به صورت صلیب بوده و باعث عدم انعطاف پذیری، جدایی کالبد آنها از بافت و تحمیل یک شکل و حجم خاص به زمینه و بافت شهری خود می‌شوند. مخصوصاً ورودی‌های خود را به ساختار بافت محلی، تحمیل نموده و در عمل به کالبد کلیسا اصالت ذاتی و بت‌واره می‌بخشد. (تصاویر شماره ۷ و ۸). در نقطه مقابل مساجد به دلیل آزادی در نوع گسترش و محل ورودیهای خود، میتوانند مبتنی بر ضرورت‌ها و امکانات بافت، توسعه خود را با آن هم‌آهنگ نمایند و عملاً بافت موجود را تقویت نموده و ورودیهای خود را مبتنی بر محورهای عبوری موجود سامان میدهند. در این نوع از طراحی:

اول: انسانهای مخاطب نیایشگر اصالت می‌یابند و کالبد و ورودیهای نیایشگاه به سوی آنها رو می‌نماید و حجم معبد، بت نمی‌شود.

دوم: طراحی نیایشگاه انعطاف پذیر بوده و مبتنی بر ضرورت‌های بهره‌وران و امکانات موجود در محیط پیرامونی، به صورت انعطاف پذیر، گسترش و توسعه می‌یابد.

سوم: مفهوم بنیادی سیر از کثرت به وحدت، از ظاهر به باطن و از صورت به معنا که مهمترین اصل در فلسفه عبادت و اصل بنیادی در فلسفه هنر و معماری و شهرسازی از منظر اسلامی است، عملاً از بافت متکثر، محلی به سوی مرکزیت وحدت بخش مسجد تحقق می‌یابد. یعنی بافت و طراحی شهری که عملاً مبتنی بر شرایط جغرافیائی و بومی، هندسه‌ای سیال و متنوع و کثیر و سیر در افقی دارد باید با جدار خارجی مساجد هم‌آهنگ بوده و به تدریج از طریق سر در های قرینه، دارای محور، مرکز، درونگرا به سمت فضا و هندسه‌های منظم، و دارای محور، مرکز، سکون آفرین و وحدت بخش تداوم یافته و کالبد مسجد با مفهوم عبادت، که همان سیر از آفاق به سیر در انفس است هماهنگ و همراه شود.

کلیسای زودیاک



تصاویر ۷ و ۸- (یک نمونه از تصویر پلان و نمای کلیساهای صلیبی که خود را به بافت محلی تحمیل می نمایند)

نتیجه گیری

با توجه به ارائه مجموع اصول راهبردی که در توصیفات محتوایی - تاریخی، از مفهوم حقیقی عبادت از منظر اسلامی در بخش اول مطالب مطرح شد و مجموع اصول و راه کارهای عملی در طراحی خانه کعبه، که در بخش دوم از کالید بیرونی و در بخش سوم از فضای داخلی خانه کعبه مطرح شد و نتایج بعد از آن، می توان گفت خانه کعبه که طراح آن حضرت حق و مجری آن پیامبر الهی بوده است، دارای اصول راهبردی _ مفهومی و راه کارهای عملی - اجرائی فرا زمانی و فرامکانی برای طراحی و معماری نیایشگاه های شایسته و مطلوب می باشد. معماران مسلمان و مؤمن ما نیز، با بهره برداری از همین اصول و راه کارها و از طریق اصول ده گانه اجتهاد شیعه که ضامن توجه به مجموع شرایط زمانی و مکانی می باشد، توانسته اند طراحی مساجد اصیل دوران اسلامی را که عالیترین نیایشگاه انسانی است، احداث نمایند.

بنابراین با توجه به مقدمات فوق، مکتب اسلام را از آن جهت جامع و مانع و تحریف نشده، در مقایسه با سایر مکاتب بشری و الهی می دانیم که، در فرآیند خلاقیت و طراحی آثار هنری و معماری دارای حکمت نظری و حکمت عملی جامع و مانع و خطا ناپذیر و تحریف نشده است. علاوه بر آن مصادیق بسیار فاخر، ارزشمند، عالی و بی بدیل نظیر معماری آفرینش و خانه کعبه، خلق نموده است. این خانه می تواند سلول بنیادی عبادتگاه های شایسته بوده و الهام بخش همه معماران در طراحی نیایشگاه مطلوب باشد. ضمناً اصول راهبردی و راه کارهای عملی آن معیارهائی فرا زمانی و فرامکانی مبنی بر مفهوم حقیقی عبادت و سیر تکاملی انسانها ارائه می نماید که می تواند برای ارزیابی و نقد همه نیایشگاه های جهان از بعد مفاهیم محتوایی و مناسبتهای کالبدی (از بعد ایده های فضایی-هندسی و آرایه ها و نمادها) مورد بهره برداری قرار گیرد.

فهرست منابع

- ۱- ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللالی، ۴ جلد، انتشارات سید الشهداء (ع) قم، ۱۴۰۵ هجری قمری، ج ۴، ص ۱۱۰.
- ۲- شیخ الطائفه ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، الأمالی للشیخ الطوسی، انتشارات دارالثقافه قم، ص ۴۸۸.
- ۳- آیات قرآن کریم.
- ۴- محدث نوری، مُسْتَدْرَكُ الْأَوْسَائِل، انتشارات: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، قم، ۱۴۰۸ هجری، جلد ۱۱، ص ۳۷۲.
- ۵- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، انتشارات: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، قم، ۱۴۰۹ هجری، جلد ۲۷، ص ۱۳۱.
- ۶- امام علی بن ابی طالب امیر المؤمنین (ع)، انتشارات دار الهجره، قم، خطبه ۱.
- ۷- خسرو پناه، عبدل الحسین، خلاصه نظریات آیت الله جوادی عاملی، فصلنامه اسراء، سال سوم، شماره ۲، ص ۳۱.
- ۸- علامه مجلسی، بحار الأنوار، انتشارات: مؤسسه الوفاء بیروت - لبنان، سال انتشار: ۱۴۰۴ قمری، جلد ۲، ص ۲۴۵.
- ۹- ثقة الإسلام کلینی، الکافی، انتشارات: دار الکتب الإسلامیة، تهران، سال انتشار: ۱۳۶۵ هجری شمسی. جلد ۱، ص ۵۸.
- ۱۰- شهیدمطهری، مجموعه آثار، جلد ۲۰، ص: ۱۶۱.
- ۱۱- ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللالی، انتشارات: سید الشهداء علیه السلام، قم، سال انتشار: ۱۴۰۵ هجری، جلد ۴، ص ۱۰۳.
- ۱۲- فیض الاسلام، سیدعلینقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران، انتشارات فیض الاسلام، ۱۳۷۵، حکمت ۳۰، ص ۱۱۰.
- ۱۳- آملی، حسن زاده، کتاب هزار و یک نکته، قم، بوستان کتاب ۱۳۷۸، ص ۳۲۵.
- ۱۴- مشگینی، علی، مواظب العدلیه، انتشارات: الیهادی، قم، ۱۳۸۹، ص ۲۲۲.